



درخت دوستی بنشان، که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی برکن، که رنج بی شمار آرد

سال نویمه ۱۳۹۱

امیدواریم سال نو، سال سرشار از تحقق
آرزوها و اندیشه هایتان باشد.

هیأت رهبری غضنفر بانک

فهرست مطالب

۲

سخن ماہ (سرمقاله)

اقتصادی

- ۳ ارایه بودجه سال مالی ۱۳۹۱ به شورای ملی
۴ آشنایی با بانک جهانی
۶ امکانات بهره برداری از منابع نفتی افغانستان
۸ اهمیت اقتصادی بیمه
۱۴ له یو شمیر هیوادونو سره د افغانستان ستراتیژیک تپرونوه
۱۷ د هبود پراختیا او زمونب امکانات او دندې
۲۰ چرا غضنفر بانک را برای کار انتخاب کردم
۲۲ نقش انسیتوت بانکداری و مالی افغانستان در...
۲۳ علاقمندی سرمایه گذاری دوصد کمپنی روی معادن افغانستان
۲۴ دستیابی قالین افغانستان به مдал عقاب طلایی



اجتماعی

- ۲۵ حمید رحیمی
۲۶ هشت مارچ روز جهانی زن
۲۸ تجلیل روز جهانی زن در غضنفر بانک
۲۹ وزیر امور زنان از ولسوی جرگه رأی اعتماد گرفت
۳۰ نقش بند امیر در توسعه صنعت توریزم
۳۲ تعلیم و تربیه عامل عمدہ یی تشکیل سرمایه انسانی
۳۴ انسان و محیط زیست
۳۵ خلاقیت و نوآوری
۴۱ خواص غذایی و درمانی انجیر
۴۳ راه های مقابله با خجالت
۴۶ کمک های زمستانی بنیاد غضنفر به ...

ادبی

- ۴۷ مولوی و مذهب عشق
۵۰ نیستان (ویژه شعر و ادب)
۵۲ جمله های طلایی
۵۵ زنان سخنور (عاشه درانی)
۵۶ حکایت (جوانمردی)
۵۷ واژه های جهان گرد
۶۰ محاوره اوزیزیکی بخش هفتم

6 Interview with Miss Manezha Sukhanyar

1 Risk Management

صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسؤول: نور احمد فهیم

هیأت تحریر

- سرمحقق عبدالباری راشد
پوهنیار سیف الدین سیحون
معاون سرمحقق شیر علی تزری
معاون سرمحقق عبدالحکیم رامیار

دیزاینر: نویدالله محمدی

اداره ماهنامه غضنفر بانک در ویرایش
مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸۶۶ سرک عمومی شیرپور
کابل - افغانستان

شماره های تماس: +۹۳(۰)۷۹۷۸۶۰۰۸۸
+۹۳(۰)۷۹۹۴۲۸۳۶۶

Email: magazine@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

چاپخانه: ستاره تلاش

سخن ماه

بیاید در سال نو، نوآوری کنیم

و پرورش و بازسازی کشور می گردد. بر این اساس باید دست به دست هم بدھیم تا زمینه های زیست مسالمت آمیز و بدون تنش و خشونت، بر مبنای عدالت اجتماعی و به رسمیت شناختن و پذیرفتن حقوق یکدیگر فراهم و خورشید صلح و امنیت در کشور طلوع نماید.

هر سال بسیاری از دولتمردان و نخبگان کشور برای بیرون رفت از این مشکلات و عده خدمت و همکاری می دهند اما متأسفانه که به دلیل عدم داشتن اعتماد به نفس و برنامه ریزی های دقیق، عده هایشان تحقق نمی یابد. اما اگر ما نسبت به تعهد خود در برابر ملت و دولت صادق باشیم و برای انجام کارهای خود اهداف و برنامه ریزی های مناسبی داشته باشیم و کارها را به وقت و زمان آن انجام بدھیم به یقین که به اهداف و مقاصد خود دست خواهیم یافت.

بنابراین بیاید به استقبال از سال نو با خلاقیت و نوآوری مشترکاً در جهت فراهم نمودن زمینه های صلح و همبستگی، ارتقای ظرفیت ها، فراهم نمودن زمینه های کار و کاهش فقر، تأمین حقوق بشر، عدالت و رفاه اجتماعی، بازسازی و نوسازی کشور گام برداریم تا دین ایمانی و انسانی خویش را در برابر ملت و دولت ادا نموده و با غرس حداقل یک نهال به منظور طراوت و سرسیزی کشور بیافزاییم.

این روز فرخنده نه تنها در افغانستان و کشور های منطقه بلکه در سطح جهان از اهمیت بسزایی برخوردار است. تا جایی که مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ با تصویب قطعنامه ای، اول حمل را به عنوان روز جهانی نوروز به ثبت رساند. قطعنامه نوروز به ابتکار و همکاری کشورهای افغانستان، ایران، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان، آذربایجان، قرقیزستان و قرقیزستان آماده و به مجمع عمومی سازمان ملل ارایه شد که به اتفاق آراء به تصویب رسید و نوروز را به عنوان یک مناسبت بین‌المللی به رسمیت شناخت.

فصل بهار، طراوت طبیعت و نسیم جان پرور آن یکی از هدایای ارزشمند الهی برای بشریت است. دگرگونی ها، رویش ها و لطافت های آن سرشار از درس و عبرت است. که انسان ها همزمان با تحول و طراوت طبیعت به دگرگونی معنوی، فکری و مادی خود پردازند. بیاید نوروز را سرآغاز و سرمشق نوآوری ها در تمام ابعاد زندگی خویش قرار دهیم و در جهت صلح و همبستگی، خدمت به ملت و دولت و مبارزه با مواد مخدر و فساد اداری، که نه تنها ملت و کشور ما را متضرر کرده بلکه در سطح جهان عزت و آبروی کشور ما را خدشه دار ساخته است، گام های استوار تری برداریم.

آن طوری که طبیعت در بهار تجدید حیات می نماید، انسان ها نیز باید همزمان با بهار در اندیشه های خود بازنگری و در روند انجام فعالیت های خود خلاقیت و نوآوری را پیشه نمایند. برای تحقق این امر باید انسان هایی که دانش لازم، ابتکار عمل، استقلال رأی، اعتماد به نفس و تمرکز ذهنی دارند، و نسبت به دین، ملت و کشور خود متعهد هستند، در رأس پست های کلیدی قرار گیرند تا با استفاده از فنون خلاقیت و نوآوری به ویژه تقویت دانش منابع بشری در جهت توسعه کشور خود گام بردارند تا بتوانند کاستی های سال گذشته را جبران نمایند. اگر ظرفیت منابع بشری ارتقا نیابد نه تنها در انجام وظایف خود موفق نخواهیم بود بلکه دستاورده مطلوبی نیز نخواهیم داشت.

همچنان همزمان با آغاز سال نو در جهت فراهم نمودن زمینه های تحکیم صلح و همبستگی که یکی از نیازهای مبرم جامعه ما به شمار می رود باید تلاش جدی صورت گیرد. زیرا ادامه جنگ و نا امنی ها منجر به ادامه نقض حقوق بشر، فقر و بیکاری، مانع از سرمایه گذاری ها برای کارهای زیربنایی، جلوگیری از توسعه آموزش



آینده خود را با افتتاح حساب ویژه و عاید ماهانه آن تضمین نمائید

سالانه ۹٪ منافع



نوت: مشتریان گرامی می‌توانند با حداقل یکهزار دلار امریکایی یا معادل آن به افغانی در غضنفر بانک حساب ویژه افتتاح نمایند. که از یکهزار تا ۲۵۰۰۰ دلار امریکایی یا معادل آن به افغانی در قرارداد یکماهه سالانه ۵.۵٪ منافع، در قرارداد سه ماهه سالانه ۶٪ منافع، در قرارداد شش ماهه سالانه ۷٪ منافع، در قرارداد یکساله سالانه ۸٪ منافع و در سرمایه گذاری بالاتر از ۲۵۰۰۰ دلار امریکایی یا معادل آن افغانی در قرارداد یکماهه سالانه ۶٪ منافع، در قرارداد سه ماهه سالانه ۷٪ منافع، در قرارداد شش ماهه سالانه ۸٪ منافع و در قرارداد یکساله سالانه ۹٪ منافع برای مشتریان محترم در اخیر هر ماه پرداخت می‌گردد.



آشنایی با بانک جهانی (World Bank)



مقروض (HIPC) است. این امکان باعث می‌شود که این کشورها به جای بازپرداخت وام آنرا صرف مسکن، معارف، بهداشت و برنامه‌های رفاهی برای مردم نیازمند، کنند. ضمناً بانک جهانی حمایت از مبارزه علیه ایدز را در راس برنامه‌های خود قرار داده و بزرگترین تامین کننده بودجه برای برنامه‌های ضد (HIV) در دنیاست. تعهدات فعلی این بانک به سازمان‌های مبارزه با ایدز بیش از ۱/۳ میلیارد دالر می‌باشد که نیمی از آن تنها به آفریقای جنوبی اختصاص داده شده است.

در حال حاضر ۱۸۰۰ پروژه در کشورهای در حال توسعه توسط بانک جهانی در دست اجراست. در میان این پروژه‌ها طرح ارتقاء سطح آگاهی در مورد ایدز در گینه، تامین تسهیلات آموزشی برای دختران در بنگladش، کمک به بازسازی تیمور شرقی پس از استقلال و کمک به بازسازی گجرات در هندوستان؛ و ... به چشم می‌خورد.

دفتر مرکزی بانک جهانی در واشنگتن است و حدود ۱۰۰۰۰ کارشناس توسعه در ۱۰۰ شعبه این بانک در سراسر جهان مشغول به کارند. هم‌اکنون ۱۸۴ کشور عضویت بانک جهانی را دارا می‌باشند و در حال حاضر در بیش از ۱۰۰ کشور جهان فعالیت دارد و بزرگترین سازمان بین‌المللی تامین کننده وام و خدمات مشاوره‌ای به کشورهای در حال توسعه و عقب مانده به شمار می‌رود.

منبع: اینترنت

بانک جهانی در سال (۱۹۴۴) به منظور بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ در اروپا، در قلب سازمان صندوق بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) متولد گردید. در سال ۱۹۴۶ واشنگتن به عنوان مقر دائمی این بانک انتخاب شد و اولین اقدام بانک در همان سال اعطای وامی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دالر به فرانسه بود.

دامنه فعالیت بانک جهانی به سرعت گسترش یافت و حوزه عمل آن در بازسازی اروپا مدل به کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه و عقب مانده شده است و اولین وام آسیایی این بانک نیز به مبلغ ۳۴ میلیون دالر در سال ۱۹۴۹ به هندوستان اعطا شد. افغانستان در چهاردهم جولای ۱۹۵۵ به عضویت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی بول درآمد و هم‌اکنون نیز یکی از اعضای آن می‌باشد.

بانک جهانی از دو موسسه توسعه‌ای تشکیل شده است. بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) و کانون بین‌المللی توسعه (IDA). هر دو مؤسسه این بانک نقشی متفاوت ولی حمایت کننده در ماموریت این بانک برای کاهش فقر و بهبود سطح استانداردهای زندگی، ایفایی کنند. سازمان‌های فوق مشترکاً برای کشورهای درحال توسعه وام‌های کم بهره، اعتبار بدون بهره و تامین اعتبار می‌کنند. فقر بیش از ۱۰۰ میلیون کودک را از نعمت سواد آموزی محروم کرده است. مسأله کاهش فقر در شرایطی که جمعیت جهان رو به فزونی است و در پنجاه سال آینده حدود ۵۰٪ رشد خواهد داشت؛ چالش بزرگی است. بانک جهانی فعالیت‌های خویش را به کم کردن این فاصله و تبدیل منابع کشورهای ثروتمند به عاملی جهت رشد کشورهای فقیر معطوف کرده است. این بانک که یکی از بزرگترین منابع مکاتب و مراکز بهداشتی، تامین آب و برق، مبارزه با بیماری و حفاظت از محیط زیست، حمایت می‌کند.

کشورهای کم درآمد دنیا به دلیل نرخ بالای بهره، قادر به گرفتن وام در بازارهای بین‌المللی نیستند. این کشورها، علاوه بر کمک‌ها و وام‌های مستقیم از کشورهای توسعه یافته، از بانک جهانی اعتبار، وام بدون بهره و کمک فنی دریافت می‌کنند که به آنها توانایی تامین نیازهای اولیه و خدمات اساسی را می‌دهد. این کشورها ۳۵ تا ۴۰ سال برای بازپرداخت وام‌ها وقت دارند که تا ۱۰ سال قابل تمدید است.

یکی دیگر از خدمات این سازمان؛ کاستن بدھی کشورهای فقیر و

تمويل مالی و قرضه های غضنفر بانک



تمويل مالی و قرضه های غضنفر بانک تجارت و اقتصاد
شما را استحکام و رونق می بخشد

شعبه مرکزی

۰۷۷۵ ۷۸۶ ۷۸۶ ۰۷۷ ۸۶۰ ۰۰۳

۰۷۰ ۷۷۶ ۷۸۶ ۷۸۶ ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۰۵۹۸، سرک اصلی شیرپور، کابل؛ صندوق پستی:

mainbranch@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com

پوهنیار سیف الدین سیحون استاد دانشگاه کابل

غضنفر

امکانات بهره برداری از منابع نفتی افغانستان

فرصت ها و چالش ها



افغانستان از نظر ظرفیت نهفته برای تامین انرژی زمینه مساعدی داشته و با بهره برداری از ذخایر نفت، گاز، انرژی افتتاب، باد و آبهای جاری می تواند نیازمندی های مردم را به انرژی تامین نماید. بهره برداری از منابع ملی، در آغاز سرمایه گذاری، کاربرد تکنالوژی، فناوری، و مدیریتی گستردده ای را ایجاد می نماید که افغانستان قادر این ظرفیت ها برای بهره برداری از منابع طبیعی خود می باشد. بناءً جلب سرمایه گذاری خارجی به هدف استخراج و بهره برداری منابع، الزاماً تلقی می گردد. کشور ما در شرایط کنونی با اتخاذ سیاست جلب سرمایه گذاری خارجی، وارد فرایند جدید شده است که می تواند با حفظ منافع ملی و طرح دور نمایی، سیاستگذاری روی سرمایه گذاری مشترک در ساحه کشف، استخراج و بهره برداری بهینه منابع طبیعی و معدنی، قرارداد ها و همکاری های گسترش را سامان دهد.

انرژی نفت کاربرد چند سویه داشته، مهم ترین کالای استراتئیک جهان معاصر بوده و عامل پیچیده گی ها و دشواری های روابط سیاسی و نظامی بازی گران قدرت در دنیا می ارزیابی می گردد. تقاضای روز افزون کشور های صنعتی پیشرفته و اقتصاد های نو ظهور به ارزش و اهمیت این کالا هر روز می افزاید، و قیمت آن با توجه به افزایش تقاضا، بلند رفتن قیمت فراورده های مشابه، توسعه صنایع، وسعت گردشگری و انتقالات انبوه، روز افزون بوده چنانچه مصرف و قیمت آن سیر صعودی می پیماید. که در پنجاه سال گذشته قیمت هر بشکه نفت از سیزده دالر به یکصد و سی دالر افزایش یافته است.

کشور ما از نظر واردات مواد سوختی با جدی ترین چالش روبرو بوده، در مواردی با محدودیت و منع واردات و انسداد مسیر انتقالات، کمیود جدی و بلند رفتن قیمت را شاهد بوده که شهروندان با تلح کامی، سیاست های مقطوعی و ناکارامد دست اندر کاران را در تهیه و تدارک آن شدیداً نکوهش کرده اند. اخیراً بلند رفتن سریان آور بهای مواد سوختی بر زندگی مردم، معیشت، کار و اشتغال آنان تاثیر ناگواری را رقم زده است.



امکانات بهره برداری از منابع نفتی افغانستان

توسعه ایجاد صنایع مرتبط با سکتور مورد نظر، فراهم آوری شرایط ارزیابی و نظارت از کارکرد جوانب قرارداد کنندگان، ایجاد دستگاه اداری کار آگاه و متعهد به منافع ملی ضامن سمت دهی درآمد ها در جهت رفاه اجتماعی بوده، آسیب شناسی دشواری های عملکرد چنین پروژه های بزرگ نیز دقیقاً ارزیابی و برای کاهش آثار مخرب آن برنامه ریزی دقیق صورت گیرد.

اگر برنامه پیشگیری شده و درونمایی در جهت سمت دهی درآمد مالی پروژه ها، برای بهره برداری اقتصادی موثر آن مطرح نگردد و تعهد الزام آور حقوقی و اراده کلان سیاسی برای تحقق چنین اهداف مطرح نباشد این منابع نیز مانند سایر وجوه، در کشور ما به هدف مطلوب و موثر اختصاص نمی یابد. آسیب های محیط زیستی پروژه استخراج نفت نیز می بایست دقیقاً با معیار های جهانی زیست محیطی و حفاظت آن توان گردد و از هر گونه آسیب به منابع کشاورزی، جنگلات و ایکو سیستم جداً جلوگیری شود.

چالش دیگر راه اندازی چنین پروژه های بزرگ، مهاجرت نیروی کار، ایجاد فضای خوشبینی غیرمنتظره و سرمایه گذاری نا متوازن در یک بخش اقتصاد و ساختات چهارگانه و سرانجام خالی شدن سکنه روستا ها و کاهش فعالیت کشاورزی در دهکده ها و روستا های محل کارکرد پروژه ها می باشد، که اگر به دشواری ها و نیازمندی های معیشتی، زیست محیطی و اجتماعی محلات توجه نشود شاهد بی جاشدگان و کارگران فصلی و گاهی دائمی

و درصدی از درآمد بهره برداری شده را به دست می آورد. در قرارداد متذکره ۲۰ درصد مالیه به دولت پرداخت شده و ۷۰ درصد در آمد نفت استخراج شده نیز وارد عواید دولت می گردد. ضمناً پانزده درصد حق الامتیاز را دولت افغانستان از شرکت مذکور دریافت می کند. پیامدهای دیگر درآمدی، شامل احداث تصفیه خانه، استخدام کارکنان ماهر و غیر ماهر، جلب فناوری نوین، احداث زیر ساخت های لازم پروژه، ساختمان ها، دفاتر اداری، ساحت رهایشی، تامین امنیت و گمارش افراد لازم برای ساختات مورد تخصص را احتوا می کند. اثرات قطبی پروژه شامل توسعه راه های مواصلاتی، ایجاد شهرک ها و تأسیسات مرتبط به آن و دسترسی سهل و آسان به انرژی به هدف توسعه اقتصادی و مصرف شهروندان می باشد.

درآمد نفتی و انباست آن به هدف توسعه زیر ساخت های لازم آموزش و پرورش، تعمیم صحت، مسکن و آبرسانی برای شهروندان مطرح بوده با کاربرد و فناوری موثر بهره برداری از سایر منابع انرژی گاز و انرژی های تجدید شونده نیز مقدور می گردد.

باید از آغاز این فرایند، طرز دید و نگرش سیاست گذاران معطوف به راهکار هایی گردد که در آن مجموع درآمد در یافت شده، ثروت ملی تلقی گردد و در جهت تأمین منافع عمومی اختصاص یابد. از این درآمد ها در توسعه زیر بناء ها و نهاد های ملی کار گرفته شود و سمت وسیع این سرمایه



خواهیم بود که دشواریهای پیشگیری ناشده اقتصادی، اجتماعی را در پی خواهد داشت، نهایتاً نباید فعالیت های تولیدی و استخراجی موجب انباست ثروت و کارتلی از فروشنده گان نفت و فراورده های آن گردد همچنان توزیع عادلانه تر درآمد ملی در سیاست های اقتصادی باید رعایت گردد.

گذاری ها به هدف فقرزدایی، اشتغال زایی، تولیدی کردن اقتصاد، توسعه صنایع و کشاورزی سوق یابد، تا نسل بعدی از این امکانات بهره ور گرددند زیرا در ثروت ملی سهم و حق نسل آینده نیز مضمیر است و نباید نیازمندی های مصرفی شرایط کنونی مانعی در تأمین منافع نسل بعدی و توسعه آتی کشور گردد. شفافیت در شرایط قرارداد ها، پا فشاری روی منافع دراز مدت



سرمحقق شیر علی تزری

اهمیت اقتصادی بیمه

طرفی را که در مورد جبران خساره توافق به عمل می آورد به نام بیمه گر و جانب مقابل را به نام بیمه گذار یاد می کنند، و جهی را که بیمه گذار به بیمه گر می پردازد، حق بیمه و آنچه را بیمه می شود موضوع بیمه می گویند. سند تحریری که بیمه و شرایط آن در آن تذکر به عمل می آید به نام بیمه نامه و حوادثی که بیمه در برابر آن صورت می گیرد خطر یا زیان می گویند.(۲)

نکته قابل تذکر اینکه شرایط عقد بیمه باید معین و مشخص بوده و خطریکه موضوع عقد بیمه است باید متحمل الواقع باشد، چنانچه اگر خطر حتمی الواقع باشد عقد بیمه بسته نمی شود. اما در مورد بیمه عمر که حادثه حتمی الواقع است باید گفت که چون تاریخ فوت معلوم

پیش از اینکه به توضیح اهمیت بیمه پرداخته شود لازم است تا بیمه و ساحتات فعالیت آن توضیح شود.

بیمه قراردادیست که شخص هرگونه خطر و زیان را که ممکن است به جان یا مال او وارد شود با پرداخت حق معینی به عهده شرکت ها یا بنگاه های مخصوص که این کار را به عهده دارند، بگذارند.

در ماده دوم قانون بیمه افغانستان، بیمه چنین تعریف شده است:

«بیمه قراردادیست میان بیمه کننده و بیمه شونده که به موجب آن بیمه کننده در مقابل اخذ حق البیمه معین جبران خساره طرف مقابل را منعهد می گردد.» (۱)



گذاری می کردند. تحولات قرن ۱۹ و ۲۰ همانطور که بر تمام عرصه های زندگی اقتصادی و اجتماعی اثر داشته است، چنانچه در ابتدای بیمه در چند بیمه نیز تأثیر قابل ملاحظه داشته است، لکن با پیشرفت علم و تکنیک بر اهمیت رشته محدود وجود داشت، اگر با پیشرفت علم و تکنیک بر اهمیت بیمه نیز افزوده شده و رشته های متعدد در آن به وجود آمد و نقش مثبت آن در عرصه های اقتصادی و اجتماعی سبب شد تا بیمه جایگاه خود را در تمام عرصه ها پیدا کند.

اقتصاد امروزی که در حقیقت زیربنای جامعه را تشکیل می دهد از راه بیمه تضمین می گردد، زیرا سرمایه گذاری که سرمایه خود را در راه تولید و توزیع کالاها به کار می اندازد، اگر سرمایه گذاری و کالاها تولیدی اش بیمه نباشد به خطرات متعدد مواجه بوده، لذا از سرمایه گذاری سر باز خواهد زد.

به همین ترتیب تجارت که یکی از ارکان اساسی زندگی را تشکیل می دهد نیز به تضمین مطمئن نیازمند است. کالا هایی که در گدامها ذخیره اند و یا از یکجا به جای دیگر انتقال می شوند، همه به خطر دزدی، آتش سوزی وغیره مواجه اند. همین امر سبب شده که امروز در اکثر کشورهای جهان بیمه جایگاه خود را پیدا کرده و در تمام امور اقتصادی، تجاری و اجتماعی دخالت دارد. به طور مثال جوان تازه کاری سرمایه اندک خویش را که به صد خون دل پس انداز نموده در کار تجارت صادرات به کار می اندازد، سرمایه گذاری این جوان در معرض تهدید خطرهای ناشی از حمل و نقل، آتش سوزی، دزدی و امثال آن قرار دارد. او ممکن است بعد از مطالعه و شناخت خطرهای مختلفی که کسب و کار و پیشه جدید او را تهدید می کند از سرمایه گذاری که تنها پس انداز و همه سرمایه اوست پیشمان شود. تنها با اینکا به بیمه است که این جوان می تواند با خیال راحت پس انداز و سرمایه خود را به تجارت اختصاص دهد و موفق شود. پس بیمه در توسعه تجارت نقش موثری ایفا می کند. بناءً بیمه را می توان پشتونه مطمئن برای تجارت و سرمایه گذاری خواند. بدین معنا که در صورتیکه یک تاجر بیمه شده باشد با سرمایه کم با اینکا به ضمانت معتبر بیموی می تواند به اخذ قرضه مبادرت و رزیده و کار و بار خویش را توسعه دهد.

نیست و موضوع عقد بیمه دراز مدت است این مشکل وجود ندارد. همچنان اگر خطر موضوع عقد بیمه تحت اختیار یکی از عقد کننده ها باشد عقد صورت نمی گیرد.^(۳)

در بیمه نامه که شرایط عقد درج می گردد موارد ذیل باید به طور واضح و روشن تحریر گردد:

- ۱- تاریخ عقد قرداد؛
 - ۲- اسم بیمه گر و بیمه گذار؛
 - ۳- موضوع بیمه نامه؛
 - ۴- حادثه یا خطری که عقد بیمه به مناسبت آن به عمل آمده است؛
 - ۵- آغاز و انجام بیمه؛
 - ۶- حق بیمه؛
 - ۷- مقدار تعهدات بیمه گر در صورت وقوع حادثه تا مبتنی به آن در صورت بروز مشکل بیمه گذار بتواند حق خویش را از بیمه گر مطالبه نماید.
- بیمه انواع مختلفی دارد مانند: بیمه حوادث، بیمه آتش سوزی، بیمه در مقابل دزدی وغیره. نرخ بیمه که بیمه گذار به بیمه گر پرداخت می کند به نحوی محاسبه می شود که به طور متوسط بتواند مبلغ غرامت را در صورت بروز حوادث غیر مترقبه پیوшуند. بیمه کردن متضمن رسیک برای بیمه گر است که وی بایستی رسیک مذکور را به حدائق برساند.^(۴)

با توضیح بیمه و شرایط آن واضح می شود که بیمه یکی از نیازمندیهای زندگی بشر بوده و از گذشته های دور انسانها به این فکر بودند که چگونه خطراتی را که متوجه جان و مال آنهاست برطرف سازند و یا حدائق آثار آن را کم ساخته و یا تقسیم نمایند. این مفکرها نخستین مفکرها پیدا شدند که با پیشرفت زندگی شکل و شیوه آن نیز تغییر نموده است. بیمه در حقیقت روش تقسیم خطر با دیگران است.

از دوران باستان بعضی از افراد منابع مالی خود را برای کمک به کسانیکه متحمل ضرر و خساره می شدند به طور مشترک سرمایه



بانک ها انجام می شود.

به صورت مشخص می توان گفت که امروز مؤسسات بیمه نقش ملموسی در اقتصاد کشورها دارند که از جمله می توان از حفظ ثروت ملی، ایجاد تضمین برای سرمایه گذاری، ایجاد اعتبار و توسعه سرمایه گذاری نام برد.

بارزترین اثر اقتصادی فعالیت های بیموی حفظ اموال و دارایی های اشخاص انفرادی و حتی دولت می باشد. مالکین اموال و دارایی های مذکور در بدл حق بیمه که به طور دوامدار تادیه کرده و می کنند، اطمینان دارند که در صورت وقوع حادثه غیر متربقه و تحملی ضرر و خساره ناشی از آن ضرر وارد جبران می گردد. لذا بدون نگرانی

توسعه فعالیت شرکت های بیمه و سرمایه گذاران با یکدیگر رابطه مستقیم و متقابل داشته، هر قدر حق البیمه ها گسترش پیدا کند و مبلغی که در اختیار شرکت های بیمه است افزایش یابد، می تواند در راه های مختلف به کار گرفته شود و هر قدر فعالیت شرکت های بیمه توسعه یابند به همان اندازه میزان این وجوه نیز افزایش یافته و از آن در توسعه و انکشاف سرمایه گذاری استفاده صورت می گیرد.

در اقتصاد بازار شرکت های بیمه منحیث واسطه های مالی نقش مهم و اساسی را بازی نموده و از اهمیت ویژه برخوردار می باشند، که مهمترین اثر آن عبارت از تهیه سرمایه می باشد که نقش مهمی در تمام عرصه های انکشاف اقتصادی دارد و گاه این فعالیت ها به شکل مجموعه های مشترک و در پیوند و هماهنگی موسسه های بیمه و



اکثراً پول نقد حضور فزیکی ندارد. کمتر سرمایه گذاری را سراغ خواهد داشت که قیمت تمام تأسیسات و دستگاه های مورد نیاز خود را نقداً به دسترس داشته باشد و ممکن هم نیست. اصولاً اعتبار و استفاده از آن یکی از مشخصات تجارت پیشرفته امروزی می باشد. هر تاجر و سرمایه دار در قدم اول با اینکا به سرمایه و دارایی خود می تواند اعتبار به دست آورد. اما اگر سرمایه و دارایی او در معرض خطر قرار گیرد و او نتواند به تعهدات خود در برابر مشتریان عمل کند اعتبار او از دست رفته و احیای دوباره آن نا ممکن خواهد بود، مگر اینکه سرمایه و دارایی اش در مقابل خطرات احتمالی بیمه شده باشد. لذا اعتبار یکی از عوامل مهم موفقیت در تجارت به شمار می رود و بیمه در هر بخش اقتصادی اعتبار و تضمینی مطمئن و بی چون و چرا می باشد. شرکت های بیمه تجاری در حال حاضر قسمت عمدۀ خطرهای را که موجب ضرر و زیان تجار می شوند تحت پوشش قرار می دهند.

بیمه در حقیقت یک نوع پس اندازی است که در روز وقوع دشواری و حوادث غیر مترقبه بدون اینکه کار و بار را به سکته مواجه سازد مشکل را زیرکنترول آورده و ادامه کار و بار را مساعد می سازد.

و تشویش به کار و کسب خود ادامه می دهند. از طرف دیگر بیمه گر بر اساس مکلفیت های ملی که دارد وظیفه خود می دارد که همواره بیمه گذاران را متوجه مکلفیت های شان بسازد تا در حفظ اموال شان و کاهش بروز حادثات کوشاند.

یکی از نیازمندی های اساسی در همه جوامع موجودیت امنیت است، زیرا سرمایه توأم با ریسک در جایی که امنیت نباشد هیچگاه سرمایه گذاری صورت نمی گیرد. مراد از امنیت نه تنها امنیت فزیکی بلکه امنیت اجتماعی و اقتصادی می باشد. که یکی از عوامل بوجود آمدن بیمه هم همین امر است، زیرا نبود امنیت چالش بزرگی در راه توسعه و اکشاف فعالیت های اقتصادی می باشد.

امکان بروز خطرات مانع آن می شود تا اشخاص و افراد محظوظ و دور اندیش سرمایه های خود را در ساحتی که امکان خطر وجود داشته باشد به کار اندازند، خوشبختانه امروز شرکت های بیمه با حمایت و تضمین محکمی قانونی خویش جبران خساره این حوادث را به عهده گرفته و به بیمه گذاران این اطمینان را داده است تا بدون تشویش به ادامه کار خود بپردازند.

نکته مهم و با ارزش در ادامه کار و بار اقتصادی بخصوص در زمینه تجارت اعتماد و اعتبار می باشد.
تجاریکه از اعتبار و شهرت نیک در بین مشتریان خود برخوردار باشد بخوبی می تواند کار و بار خویش را بدون اینکه به مشکلی مواجه شود به پیش ببرد. بر عکس تاجریکه اعتماد و اعتبار خویش را از دست داده باشد هر چند که سرمایه زیاد هم داشته باشند نمی توانند با موفقیت لازم و طور دلخواه به کار و بار خویش ادامه بدهند، بدین معنا که اعتبار یکی از نیازمندی های اساسی تجارت و کار و بار می باشد، زیرا در تجارت امروز بیشتر معاملات و سرمایه گذاری به اعتبار صورت می گیرد و





اجتماعی و بلند بردن سطح زندگی افراد تلاش هایی را انجام دهند و همواره آنها را مورد حمایت حقوقی قرار دهنده، یکی از این وسائل و تدابیر تأمین اجتماعی و یا به مفهوم مشخص تر بیمه های اجتماعی می باشد. با وصف آنکه بیمه در افغانستان انکشاپ چندانی نکرده و نمی توان فعالیت های آن را قناعت بخش ارزیابی نمود مگر باید گفت که بیمه یکی از پدیده های انکشاپی بوده و پیشرفت آن با پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در جامعه مرتبط می باشد، بناءً دولت باید زمینه رشد و انکشاپ بیمه را در ساحت مختلف از طریق وضع و تعیین قوانین مهیا سازد، تا باشد که زمینه بهتر و خوبتر تجارت برای کسانیکه استعداد تجارت را دارند ولی ریسک و خطر را نمی پذیرند، مساعد گردد.

ماخذ:

- ۱- نصیر احمد سخی، بیمه و نقش آن در انکشاپ اقتصادی و اجتماعی، مطبوعه صنعتی نادر، کابل، ۱۳۸۷، ص ۳.
- ۲- حسن تواناییان فرد، فرهنگ تاریخی اقتصاد، چاپ دوم، تهران، شرکت نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه، ۱۳۸۵ ، ص ۵۱۲
- ۳- عارفه، مدنی، کرمانی، حقوق بیمه، تهران، مجموع علمی و فرهنگی مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۳۵.
- ۴- مرتضی، قره باغیان فرهنگ اقتصادی و بازرگانی، موسسه فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۳۹۶.



در کشور ما بیمه سابقه طولانی ندارد، چنانچه برای اولین بار در سال ۱۳۴۲ طرح یک بیمه افغانی بنابر ضرورت اقتصادی در کشورما ریخته شد و اولین موسسه بیمه افغانی به نام (د افغان بیمه) شرکت سهامی در سال ۱۳۴۳ ش. با سرمایه ابتدایی پانزده میلیون افغانی تأسیس و شروع به فعالیت نمود.

در سال ۱۳۵۳ ش. اولین قانون بیمه نافذ گردید، در سال ۱۳۵۸ ش. قانون جدید بیمه نافذ و شرکت سهامی بیمه افغان به شرکت بیمه ملی افغان مسمی گردید، در سال ۱۳۶۸ قانون بیمه پس از یک سلسله تعديلات تصویب و نافذ گردید. در سال ۱۳۸۴ مجدداً چند ماده آن تعديل گردیده و مورد استفاده قرار گرفت. به تاسی از احکام قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ کمیشنری بیمه در چوکات وزارت مالیه ایجاد گردیده و هدف آن ثبت و راجستر شرکت های بیمه و توزیع جواز فعالیت برای آنها می باشد، همچنان هدف آن تشویق سرمایه گذاران در عرصه بیمه و رشد آن در افغانستان می باشد.

یکی دیگر از موسسات بیمه، بیمه صحی مامورین می باشد که در سال ۱۳۴۳ تأسیس شد، ابتدا در چوکات وزارت مالیه و بعداً در وزارت صحت عامه فعالیت داشته، کارمندان دولت و اعضای فامیل شان در برابر پرداخت ۱٪ وضع معاش ماهانه شان در برابر بیماری بیمه بوده و با استفاده از کارت عضویت از خدمات صحی و ادویه رایگان مستفید می گردیدند که در سال های اخیر فعالیت آن به فراز و نشیب ها رو برو بوده و چندان ملموس نمی باشد.

به صورت کل می توان گفت که مردم افغانستان به بیمه و فعالیت آن نه تنها آشنائی ندارند بلکه آگاهی هم اگر داشته باشند با جو بی اعتمادی که در کشور ما حاکم است، هیچکس به فعالیت بیمه باور نداشته و حاضر نیست تا پولی را به عنوان حق بیمه به بیمه گر بپردازد. درینجا وظیفه دولت است تا فعالیت شرکت هایی را که می خواهند درین عرصه سرمایه گذاری نمایند قانونمند ساخته و از طریق تبلیغات و اشتہارات، مردم را به اهمیت بیمه آگاه سازد.

از توضیحات بالا می توان چنین نتیجه گرفت که در تمام نظام های اقتصادی و اجتماعی دولت ها مکلف اند به منظور تأمین رفاه

بانکداری از طریق صفحات لمسی (Touch Screen)



غضنفر بانک به منظور آسایش و سهولت در دریافت اطلاعات بانکی برای مشتریان خدمات فوق العاده را تحت عنوان صفحه نمایش لمسی (Touch Screen) برای نخستین بار در کشور در دفتر مرکزی، نماینده‌گی مزار شریف و نماینده‌گی حیرتان خویش به اجرا گذاشته است. و به زودی در دیگر نماینده‌گی‌های این بانک نیز تهیه خواهد شد.

مشتریان محترم با استفاده از این امکانات ویژه می‌توانند اطلاعات کلی در مورد کارکرد و امکانات بانکی غضنفر بانک کسب نمایند و نیز با ارایه شماره حساب و رمز عبور از چگونگی صورت حساب خویش آگاهی حاصل نمایند. مشتریان محترم برای استفاده از این امکانات باید از نماینده‌گی‌های مربوطه رمز عبور دریافت نمایند.

شعبه مرکزی

۰۷۹۷ ۸۶۰۰۳ - ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ - ۰۷۹۰ ۷۸۶ ۷۸۶ - ۰۷۷۵ ۷۸۶ ۷۸۶

۸۶۶ سرک اصلی شیرپور، کابل؛ صندوق پستی: ۵۵۹۸

mainbranch@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



پوهاند محمد بشیر دودیال

له یو شمیر هبادونو سره د افغانستان ستراتېژيک تروونونه

نور هم په دی کې بشپړوالی او بدلون راغي. موافقه لیک،
ترون او د نړیوالو تعهداتونو له شکلونه کیدای شي د تصویب
په بنه. د استادو د مبادلې په بنه، د لاسلیک په بنه د تصدیق
په بنه او ور سره دیو خای کید و (الحاق) په بنه وي خو
مهم داده چې د نړیوالو قواعد و سره سم وي. داد نړیوال
عرف او د دیپلوماسی د هنر او ادا بو سره سم یوه اوږده
او د خو خو پراوونو لرونکې پروسه ده چې مفاهیم ئې
جلجلا او د زیاتو تو ضیحاتو غوبښتونکی دي. په دی تروونو
کې خای شويو موارد، د هغو تفسیر، د هغو ژبه، د هغو
وروستني تعديلاتو پیش بیني، موده، اعتبار، در عایت او
جرا تضمین، لازم الاجرا کيدل او بيرته الغا او نور مسایل

د هبادونو او نړیوالو سازمانونو اړیکې، تعهدات،
میثاقونه، مقاولې، قراردادونه، موافقه لیکونه او تفا هم لیکونه
د عمومی نړیوالو حقوقو موضوع او د دولتونو پر اړیکو
باندې د حاکمو نړیوالو حقوقی قواعدو تابع دي. په داسې
شرایطو کې چې د نړیوال کېدو خبرې کېږي. ددې ډول
اختیاراتو مسله هم ډیره ترستې ګو کېږي سره له دې چې
دغه موضوع بین الدول حقوق بیانوي، د ترونونه واک د
هبادونو په داخلی حقوقو پورې تړلې ده او یو شرط بې
دادی چې باید ملي شورا بې تصویب کړي. ددغه ډول قرار
دادونو، تروونونو او تقاهم لیکونو بنست د ویا ناپه کنوانسیون
کې په ۱۹۶۹م. کې ډیر بنه توضیح شوی دي، البته څوځلی



دولتونو او هیوادونو د خپلو قوانینو له مخی ممکن خانګړی مفهوم هم ولري. په هر ترتیب دا په بین الدول (نړیوالو) حقوقو په تیره بیا عمومی نړیوالو حقوقو کې - یو ډیر تفصیلی بحث دی او د ویاناکنو انسیون په سلګونو پاکو او موادو کی بنودل شوی دی. مهمه خبره داده چې افغانستان له یو شمیر هیوادونو او له هغې جملې د امریکې متحده ایالاتو سره د ستراتیژیک تړول د لاسلیک کولو لپاره چمتووالی نیسی او آن دا چې یو شه مرا حل یې پرمخ هم تللي دی او د نورو هیوادو سره هم همداسی.

په ستراتیژیک تړون کې لکه خرنګه چې له نوم خخه یې بنکاری ډیر غټه تکی د یوې اوږدی راتلونکی په اړه تصویب او درج کیږي. محتوايې ټول نظامی، ګلتوري، اقتصادي او د اړتیا له مخی نور مسایل را اخلي. دلته یې مونږ په نورو اړخونو خبری نه کوو، صرف د اقتصادي اړخونو په هکله ضرور ده چې خو پوښتنې حل وي.

۱- آیا په دغو تړونو نوکی زمونږ د هیواد او مقابل لوړی ترمنځ کوم اقتضا دي تړونونه په پام کې دی. د اقتصادي مرستو شرایط یې خه چول دي، زمونږ د هیواد داخلی امکانات او ریزرفونه خرنګه پکې اټکل شوی دي.

۲- هر هیواد خپل خانګړی طبیعی منابع لري، طبیعی منابع درې ډولونه لري جرياني، نوی کیدونکي او نه تمام کیدونکي. دلته باید وسنجلو شي چې آیا په یوه ستراتیژیک تړون کې د طبیعی منابو په تېره بیا د جرياني او نه نوي کیدونکو منابو په هکله خانګړي مواد په خه چول دي.

۳- په سیمه کې مونږ د یو شمیر سیمه بیز و سازمانو لکه

هغه تکی دی چې دا بحث د سلګونو پاڼو لرونکی گرځوي. ددغه چول ژمنو، استادو او موافقه ليکونو جوړول او تصویب اوبيا لاسلیک چې د نړیوالو حقوقو په عرف کې ورته انعقاد وايی دو هستی پراوونه لري:

الف: لومړنی مرحله: په دې کې د طرفینو دولتونو د اداري همغري ده. چې یودولت او يا هم کوم بل نړیوال حقوقی شخص د مقابل لوري بل حقوقی نړیوال بنسټ سره د لاسلیک کیدونکی سند، ژمنليک، توافق ليک او دی ته ورته تړونونو د متن په هکه د چلنډ پر اصولو تفاهم کوي. دغه پراوکی طرفین خواړ خیزې خبرې اترې کوي.

ب: دو همه مرحله: داد نومړو استادو او تړونونو د موازینو د الزامیت د پېژندنې په هکله د طرفینو د ارادې همغري ده. دې پسې نور مسایل د یېلوماتیک تشریفات او نور دي. (ددغه چول توافق ليک منل د لاسلیک، تصویب، تائید او نورو په بنو کیدای شي). هر سند د خپل حامل د واک له پلوه توپير لري، دا هم مهمه ده چې وښودل شي چې آیا دغه تړونونه مشروط دي که غیر مشروط، انفاذ یې، انتشار او ثبت یې، جوړښت، بهه، ژبه، نوم، موده او نور تکی یې هغه باريک اوستونز من خصوصیات دي چې ددغه چول روابطو پچلتيا خرګندوي. دولتونه خپل منځ کې دغه چول اجرات د معاهداتو د حقوقو له مخی کوي او دا صلاحیت هم لري، خو مرموز، پت او سري بهه یې و ګڼيز ضد عمل دي. ژمنليک، توافق نامه، تړون او نور هغه یوه معاهده او تړون دی چې په نړیوالو حقوقی نظامو کې د ټولو لپاره یو شان ارزښت ورکړل شوی دي. خو د ملي حقوقو او د



ې درلود. افغانانو ته د اقتصادي وضعیت ثبات او د دوام لرونکی پرمختیا نصیب کیدل هم چير مهم دي، ستراتیژیک تړونونه د ستراتیژیکي لوبو حیثیت لري.

په لوبه کې همزمان حرکتونه، پرله پسپی حرکتونه او متبادل حرکتونه اجرا کيږي. هر لویغارۍ (د تړون لوری) خپل دریغ او د مقابل لوري حرکت باندې فکر کوي او دخپل بردو باخت اړکل کوي. دغه ستراتیژي د برد او برلاسي کيدلو هدف ته چيره متوجه وي ینې چې دواړه لوري وړونکي وي. اقتصادي روابط په بېړه مخ په زیاتیدو دي. یو شمیر روابط په ستراتیژیک تړون کې منعکس کيږي. ټول ستراتیژیک تړونونه د اقتصادي ستراتیژي لپاره یو چاپېریال جوړووی. آن دا چې اقتصادي اړخ نظر نوروته چير مخکښن رول لري. افغانان هيله لري د خیل بریاليتو بسر لوري او پرمختللي او هو سا ژوند خيره د نړیوالو اړیکو په هینداره کې په بشه ډول ويني. په دغه هینداره کې زمونبره هوسا، پر خان ويسا، بنکلې او پیاوړې خيره نه یواخني د هینداري روښيا پوري اړه لري، بلکې زمونبر ادارې، زمونبره ددریدلو طرز او زمونبره د کتلوا طرز پوري هم اړه لري.

ستراتیژیک تړون ته مخکې تر مخکې بدینانه او یا هم چير خو شیننانه کتنه دواړه سم نه پریښي، بلکې دا د همغږي د دوو مرحلو په هغو ګامونو پوري تړلې دي چې آيا خومره پاخه ایښو دل شوي او بیا وروسته هر حرکت په کوم طرز او تخنیک اجرا کيږي. افغانان هيله لري چې، امضا شوي او لاسیک کیدونکي ستراتیژیک تړونونه به دغه ټول ټکي ډاډمن کړي.

ایکو، شانګهای او سارک سره چې نسبتاً د مشخصو اهدافو لرونکي دي، غږیتوب لرو. آيا له کوم بل هیواد سره په ستراتیژیک تړون کې د دغو سیمه ییز و اقتصادي سازمانونو کوم تنافق راځی که نه؟

۴- یوه بله پوشته چې راپورته کيږي، هغه داده چې آيا زمونبر بهرنې سوداګرۍ او په هیواد کې د تړون د طرف هیواد پانګه اچونه به په خه حالت کې وي زمونبر د صادراتو پیاوړي کېدل او دوارداتو تعویض خومره تضمین کيږي.

۵- آيا په اقتصادي پروژو کې د بشري منابعو د استخدام شرایط هم پکې شامل دي او که نه؟

په تیره بیا تجارتي اړیکې، پانګه اچونه او پانګه اچوونکي او دهغو طرز. د پروژو احداث، تمدید، تجدید او نور هغه خه دي چې له اقتصادي پلوه مونږته چير مهم دي. د نړیوالو حقوقې قواعدو له مخې دغه ډول تړونونه که په خپلو څانګړو مراحلو کې په پوره دقت برنامه ریزې شي کوم د تشويش تکی پکې نشيته، په دی شرط چې یو شمیر ملحوظات، د ګاونډویو هیوادو خاص در یئونه، سیمه ییز تنا قصاصات، ملي حساسیتونه او د دیپلوماسي له نظره باريک مسایل پکې حل وي.

افغانستان یو جګړه خپلی وروسته پاتی هیوا ددي. بهرنیو مرستو، بهرنیو هیوادونو سره دوستانه عادلانه او په دوه اړخیزو ګنو ولاړو تړونو ته اړتیا لري. افغانستان ددي لیوال دي چې په نړیواله کچه یې ملي دریغ پیاوړي شي او د هیواد له پame لویدلی نوم بيرته هسک او خپل هغه نړیوال پرسټېږي ته تراسه کړي کوم چې له جګړو و خخه مخکې



معاون سرمهحقق عبدالحکیم رامیار

د هیواد پراختیا او زمونږ امکانات او دندې

اخیستنې توانيدلی دي چې د ودې او پرمختګ لوړو کچو ته درسيدو بهير خپل او د پام وړ تخيکي او اقتصادي پراختیا منځنه راوېږي. د هر هیواد د پرمختګ لپاره ترهر خه نه مخکې د پانګۍ شتون ضروري او حتمي دي. پانګه هغه شتمنې ته چې د کارولو خڅه یې عايد لاسته راڅۍ ویل کېږي او د تولید یواهم عامل ګکل کېږي. د ډیرو پخوانی او اوسينيو اقتصاد پوهانو په آند د تنگسى او وروسته پاټهولي خڅه د خلاصون اصلې لارې چارې پس انداز کول او پانګه منځته راوېل دي، او ددې لارې خڅه ده چې د تولید کچه لوړېږي او د اقتصادي ودې امکانات برابرېږي. پانګه په دواړو ډلو، پرمختللو او وروسته پاتې هیوادونو کې د تولید او پرمختګ لپاره یو ضروري او موثر عنصر شمیرل کېږي. پانګه په خپل وار په فزيکي انساني او مالي. پانګې ويسل کېږي چې مالي پانګه هغه شتمنې ته ویل کېږي چې آسانې سره په کالېو بدليدای شي ده هیوادونو د پراختیا او وروسته

د تاریخ په اور دوکې د انسانې تولنو د جوړیدو له پېل خڅه تر نن پورې تل دا هځې روانې دي ترڅو وده او پراختیا منځنه راشي او د هغې له امله سوکالې د انسانانو په برخه شي. دهمندي موڅو په خاطر دي چې په بیلاپیلو پړاوونو کې د پوهانو او کار پوهانو له خوا د پرمختګ او هغې ته د لارې پیداکړلو په خاطر بیلاپی طرڅي او نظریات وړاندې شوي دي چې د بیلاپیلو اقتصادي او تولینز مکتبونو لامل ګرزیدلې دي. دا هځې په بیلاپیلو وختونو او هیوادونو کې په بیلو دولونو او کچو تر سره شوې دي او اوس هم اجرا کېږي.

په پرمختللو هیوادونو کې دا بهير په پرله پسې او قانونمنده توګه تر سره شوې او د پام وړ مشتبې پاپیلې یې درلودلې دي، چې بیلګې یې امریکایي او اروپایي پانګه وال هیوادونه. آسترالیا، نوی زیلاند او جاپان ګکل کیدای شي. په دې ترڅ کې د سهیل لوډیزې آسیا خې هیوادونو د چین په ګدون د معاصر تکنالوژیکی د یجیتلې انقلاب خڅه په کار



په یوه ټولنه کې پانګه هغه وخت منځته راخې چې وګړي یې د نن ورڅي د لګښت په خای څېل عايد د وروسته کارولو لپاره سپما کړي. نو په دې توګه ننی پانګه او پانګه یېز کالې په خېله د مخکې کار او هڅو محصول دی زمونې د هېواد ملي پانګونو نه غښتلیا ډیر اقتصادي سیاسی فرهنگی، حقوقی او اداری لاملونه لري دوګړوله خوا د کمه سپما، د دولت له خوا په تصنعي یېه د ((افغانی)) د ارزښت ساتل پر اقتصاد باندي په لویه پیمانه د کرنیز مالکیت اغیزې او داقتاصادي او سیاسی ثبات نشتوالی یې اهم لاملونه دي.

له بلی خوا هغه مهال چې زمونې په هیواد یې د راکدو او سر ګردانو پیسو د غونډولو بهیر یانې د ۱۳۸۲ لمریز کال د بانکداری د قانون د نافذیدو او د خصوصی افغانی او خارجی بانکونو په تاسیس سره پیل شو او خه ناخه د بانکداری دامتیازونو او د بانکي خدمتونو څخه د ګړو کار اخیسته پیل شوه اود دې او مېډواري منځته راغله چې کیدای شي مونې هم شتمني راغوندي او په اقتاصادي کاروبارنو کې یې د پانګې په بنه وکارو. خو په خواشیني سره چې د هیواد د بانکي بحران مسلې او په هغه پورې اړوندنه: فاسدو اوبي مسوولیته کسانو دا نوي پیل شوي او خوان غوریدونکي فرهنگ سخت و څه او ډير خلک یې دې بنکارندې ته بې باوره کړل.

زمونې هېوادچې د طبیعی، کاني زیرمو او سرچینو له کبله یو بډای هیواد دی نو د ډیرو ستونزو د اووارلو او د زیرمو د کارولو په خاطر پانګې ته اړتیا لري. سره له دې چې زمونې په هیواد کې په دې وروستيو خو کلونو کې په بیلاپلولو، تولیدي او خدماتي چاروکې دملی او بهرنیو پانګوالو له خوا پانګونې شوې دې، خو دا پانګونې د هېواد داړتیا او د وروسته نسلونو د غښتنو سره انډول نلري. یو دا چې ملى پانګونې د بهرنیانو پانګو په پرته کمې دې بل په هیواد کې دکارو بار ډير عايد د بهرنیانو جیونو ته څئي، او بهر ته لېردول کېږي او په ترڅ کې یې د دولت دناسمو او بې مسوولیته کړنلا رو له امله زمونې په زر



پا تبوالي د لاملونو او رمزونو په اړوند ډېرې نظرې شتون لري. په دې ترڅ کې اقتصاد پوه جان کنث ګالبرایت دیوه هېواد د هر پراختیابی مدل لپاره مخکې شرایط په لاندې دول فرمول بندې کوي:

لومړۍ شرط: د یوه حکومتی او اداري منظم، سم او راستکاره سازمان شتون

دوهم شرط: د پوهنۍ اوروزنې، او دخلکو د فکرونو پراختیا. همدا شرط په پرمختللو هیوادونو کې د اقتاصادي او تولنیز ژوند د څوځښت لامل شوی دي.

دریم شرط: د پرګنو د تولنیز ژوند عدالتی اړخ ته پاملنې او ده ډې تا مینول

څلورم شرط: د پراختیا په خاطر د خلکو واحده رایه او اعتقاد رامنځته کول.

مخکې یاد شوی فکتورونه تر ډېرې غیر اقتاصادي عوامل دی خو دیوه هیواد د پراختیا په خاطر اغیز لرونکي او د اهمیت وړ عاملین شمیرل کېږي. چې کېډای شي د وروسته پاتې هیوادونو د وروسته پاتې کیدو د لاملونه د خپرلو په وخت هېټي ته پام اوپړو شي.

په هر اقتاصاد کې د پانګې د بنې او موثرې کارونې په خاطر ډېر پرمخوبونکي او مخه نيونکي متحولين موجود وي. هغه عاملین چې د پانګې د موثرې کارونې او په نتیجه کې د پرمختګ او دې دخنې او خنډه لامل کېږي په اهم توګه دروشنو او تخنیک نه بدلونوالی او هغه په نویو لاسته راوړونه. سمبالول، وروسته پاتې اقتاصادي سیستمونو ته پاملنې او اعتقاد، دصعتی بنسټونو نه وده، د فکري او تخصصي نظره د کار د څواک وروسته پاتېوالی، د پراختیا په اړوند د خنډونو تل پاتې کېډل او تاریخي بېټي خپلولو خنډه عبارت دي. همدا راز د بیستیزو خدماتي چارو، واقیونو، دوسپنې پېټي، زده کړه او صحت او د اقتاصادي دسیمو په تېره بیا د اومه زیرمو او سرچینو او صنتی مرکزونو تر منځ نه اړیکې د پانګونو دنه موثر یت او تیټه حاصل او عايد سبب کېږي.

د اقتاصاد د رغونې او و دې په خاطر د سپما او پانګې ((اکسیر)) په هر وخت او په هر هیواد او هرو شرایطو کې عملی دې. په مختللو هېوادونو د سپما کولو او د هېټي په مرسته د پانګې د جوړښت خنډه په هر اړ خیز، معنا لرونکي او موثر عامل په بنه د خپلولو هېوادونو د وډې او پراختیا په مقصد کار اخیستي دې. په دې حال چې په وروسته پاتې هېوادونو کې دې تاکونکي عامل ته چندان پام نه دی اړوو شوی. په تولید کې د پانګې اغیزه داده چې د انسان د هڅو محصول زیاتوی

د هیواد پراختیا او زمونه امکانات او دندی

تدبیرونو له امله دي. دپریکرو او تصمیمونو په عیني توب، جامع توب او رغنه والي باندي زما تاکید د اتصاد په برخه کې د دولت او اړوندې بهرنیو سازمانو د تیرو کلونو د دپریکرو او اجرا او خڅه منشه خلی څکه چې دولت په تیرو خوکلونو کې په ټیرو پریکرو، مصوبو، کمسیونو او ستراتیژیکانو لاسپوری کړ. خواوس جو ته کیږي چې ټپری هئې او فیصلې نه دي عملی شوې، لاملې پې هم دادی چې یا یې هیچ امکانات نه و او یا هم د هغې د عملی کولو هشې نه دي



شوپی، حتا ویلی شو چې دغه راز نیمگړیو او ناسنجلو شویو کړنو
زمونږ کوچنۍ او بې خواکه اقتصاد په بیساري توګه خپلی او نور یې
هم بې خواکه کړی دی. د پراخیتا د پرمختګو لپاره د اختر عاګلاني او
نوښتنو د ظرفیتونو زیاتول او هغۇي ته توليلي بنه ورکول، د توليلي
وسایلو نه، بشپړه کار اخیسته، په پرله پسې توګه د توليل متحول او نوی
کول اساسی شرطونه دي. د توليل د نویو روشنونو له را منځه کولو او
کارکارلو لپاره د شیرونو زمینې برابرول، د اطلاعاتو در اټولولو په خاطر
د نویو میتدونو اولاړو نه کار اخیستل، لاسته راوړل شوی اطلاعات
ډیلای کول، د کار خواک تخصصي کول، پېښتر خدمتونه لکه اویه،
بریښنا، کارخای، لارې او واټونه او د وسپنې پېلی تدارک کول، د کار
د خواک او پېښیزه توليلي چارو او خدمتونه د چارو تر منځ همغیري
منځته راوړل ددې موخو لپاره اړین عاملین او متحولین ګټل کېږي. که
مونږ وتوانیزه خپل لګښتونه او عواید په عملی او سمه توګه د هیواد د
اووس او وروسته غوښتنو او اړتیاواو سره انډول، او د یوه سالم، د فساد
شخه پاکې ادارې او سازمانونو له لارې هغه مدیریت کړو کیدای شي
څخه ناخه د هیواد د اقتصاد په رغوانې او د وروسته پرمختګ په خاطر
د پېښتونه په ایښو دلو برلاسی شو.

ها و متشیشین او کسیگر د ماتپی سره مخامنخ شوی او پانگکی یې له منځته تللي دي، که په هیواد کې اوښي اقتصادي کړنلاری نورې هم دوام و موسي او دولت او اړوند او ګانونه پې هغې یاندې د سره کښه ونه کړي او هغه د ملي ګټه پر بنیاد عیارې نکړي زموږ خوان او بي خواکه صنعت او کارو باریان په نور هم ور شکست او له منځه لارېشي او فکر کوم بهرنې پانګوال به هم تر هغه پوری له مونږ سره خوا خوروي ولري چې زموږ د طبیعی او کانی زیرمو خڅه د خپلی خوبنې برپنا ګهه واخلي او عايد به پې خپلو هیوادونو ته ولیدووی او دهغې نه وروسته به نه دا پانګونې وي او نه هم دا لورینې. په دغه حالت کې به د پر مختګ په خاطر زموږ آرزو ګانې ناکامې پاتې وي.

افغانستان د نه کارول شویو بلایو زیرمو، مستعد انسانی خواک
بنه خاوره، پریمانه او به او مساعدې هوا او لم خخه برخورداره دی.
خود چېر و وروسته پاتی هیوادونو په ډله کې شمېرل کیږي. دا سمه نه
ده چې ډېر مسوولین او چارواکي د خپل خان د بائیت لپاره ټولې پېړې
په جګړه اچوي خکه بې امنیتي په دې حدنه وه او نه ده چې یېخې
د هیواد درغاغونی او پرمختګ خنډ شي. او حتا ویلې شو چې په دی
وروسته کلونو کې د ډېر و دولتي ادارو او چارواکو عملونوی نظمي
او بې ثباتيوه خواک ورکړي دي. له یوې خوا د غیر مسلکي او غير
تخصصي چارواکو او مسوولينو له امله خپل طرفیتونه او امکانات نشو
کارولي (چې په شورا کې د نه کارول شوې بودجې مستله بې یوه
بیلګه ده). له بلې خوا زموږ ډېر پالیسي او کېني تقليدي او دنور
څخه اخيستل شوې دي. نو خکه په عمل کې چندان موثریت نه لري.

اقتصادی اور اختیا اور پر مختگ نشی کیدای په ((وارداتی)) تقلیدی او یا ہم په تحملی کپنوا لاسته راشی هغه خه چې مونږ د چیر وخت خخه په تبڑه یا په دی دیر شو کلنوно کې پری اخته یو. که مور د ھیواد د پراختیا او سمسورتیا غوبنښونکی یو، نو په دی اپوند بايد مدلونه، طرحی او پالیسی د ھیواد په د ننه د خلکو او پر گنو د اپتیا وو مطابق او د ھعوی په کلپون سره جو یو اور پلی کړو.

داقتصاد کېنى د نورو چېرو تولنېر و طبیعى عرصو او بنکارندو په خیر په بیلاپلیو هیوادونو کې بیلو او خانګرو شرایط او کاري، عملی زمينوته اړتیا لري د از مینې چې د هیواد او خلکو اړونده فرهنگي، تولیزې، تاریخي، اقتتصادي او سیاسي قلمرو په بر کې نیسي بايد تل په نظر کې وي او په اړوندې تصمیونه ار پریکړې عیني او رغنده وي. زمونبرد هیواد د پر مختنگ او ودی په اړوند یوه خبره په صراحة سره دویلو ویر ده، هغه دا چې زمونبرد هیواد بې وزلي او وروسته پاتبوالۍ د زیرمود نشت له کبله نه بلکي د نميګړيو پېښکړ او ناسنجول شوبي



چرا غضنفر بانک را برای کار کردن انتخاب کردم؟

(گپ دل یک کارمند)



آموزش قرار گرفتم. اکنون من به کار خود در غضنفر بانک افتخار می کنم، زیرا هم ظرفیت کاری ام بلند رفته و هم از امتیاز مالی و معنوی مناسبی برخوردار هستم.

عدم تبعیض نژادی، قومی، لسانی و مذهبی، مدیریت عالی، محیط و فضای سالم و آرام کاری، عدالت کارفرما، تشویق مادی و معنوی کارمندان، وجود زمینه های رشد کارمند، رسیدگی به مشکلات کارمندان و شهرت نیک غضنفربانک در مارکیت افغانستان از جمله نکات برجسته است که منجر به تشویق من به ادامه کار در غضنفر بانک شده است. در حال حاضر همه با هم صادقانه تلاش می نماییم تا از طریق غضنفر بانک به ویژه بخش سرمایه گذاری های اسلامی آن بتوانیم مصدر خدمت برای فامیل، و مردم کشور عزیز خود افغانستان شویم.

محمد یحیی طنین فارغ دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ و در حال حاضر کارمند بخش تمویل مالی اسلامی غضنفر بانک هستم. در آغاز پیشگام شدن غضنفر بانک در بخش بانکداری اسلامی مرا به کارکردن در این بانک واداشت. سرانجام در ماه فبروری سال ۲۰۰۹ میلادی در غضنفربانک برای انجام کار اقدام نمودم که خوشبختانه از سوی هیأت رهبری بانک استقبال شدم.

پس از اینکه غضنفر بانک جواز فعالیت خویش را در اول ماه مارچ ۲۰۰۹ میلادی به دست آورد، فعالیت بانکی آن روز به روز گسترش یافته و من نیز در کنار سایر کارمندان بانک تلاش می کردم تا بتوانیم غضنفربانک را در میان سایر بانک ها به معرفی گرفته و خدمات آنرا وسعت بخشمیم که خوشبختانه هم اکنون به این آرزوی خود رسیده ایم.

من حالا از کارکردن در غضنفربانک خیلی راضی هستم، فضای کاری، مدیریت سالم، عدالت کاری و رویه کارفرما از خوبی هایی است که مرا واداشته تا دراین بانک کارم را ادامه بدهم. در این بانک رشد کارمند مستقیماً ارتباط به توان کاری، خلاقیت و صداقت وی دارد، به هر اندازه که یک کارمند تلاش ورزد به همان اندازه از طرف مسئول بانک (کارفرما) مورد تشویق قرار می گیرد.

غضنفربانک برای من زمینه های ظرفیت سازی را در عرصه امورات بانکی در داخل و خارج از کشور مهیا نموده است، به طور نمونه جهت کسب آموزش در بخش بانکداری اسلامی به اسلام آباد - پاکستان اعزام شدم و مدتی چند در آنجا تحت



حساب مضارب میعادی

غضنفر بانک پیشتاز در بانکداری اسلامی

این حساب بانکی بین مشتریان و غضنفر بانک در روشنایی شریعت اسلامی و پیروی از اصول و معیارهای فقه مضارب انجام می‌یابد. مفاد حلال این حساب بانکی که از سرمایه گذاری در پروژه‌های مشروع و اسلامی به دست می‌آید، بعد از سپری شدن زمان قانونی آن که در قرارداد میان طرفین قید شده است، به حساب مشتری انتقال می‌یابد. مدت قانونی این حساب بانکی از شش ماه تا یک سال می‌باشد.

شعبه مرکزی

۰۷۹۷ ۸۶۰ ۰۰۳ / ۰۷۹۷ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۰۷ ۷۸۶ ۷۸۶

۵۵۹۸، سرک اصلی شیرپور، کلیل؛ صندوق پستی:

mainbranch@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



نقش انسستیوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF)

در ارتقای ظرفیت کارمندان غضنفر بانک

با مشتریان برخورد نمایند و چگونه رضایت آنها را جلب کنند را به کارمندان بخش عملیاتی غضنفر بانک آموزش داده اند.

قابل یاد آوریست که مسؤولین و هیأت رهبری غضنفر بانک برای ارتقای ظرفیت کارمندان این بانک تنها به خدمات انسستیوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF) اکتفا نکرده ، فقط از سال ۲۰۱۱ به این طرف برای بیش از ۵۰ نفر در داخل بانک زمینه های آموزش و ارتقای ظرفیت را فراهم نموده و دهان از کارمندان دیگر این بانک را به خارج از کشور غرض کسب آموزش های لازم اعزام نموده اند.



انستیوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF) که در جهت بهبود سیستم بانکداری افغانستان و ارتقای ظرفیت کارمندان سکتور بانکی کشور فعالیت می نماید، سالانه زمینه آموزش را در بخش های عملیاتی، بانکداری اسلامی، تمویل مالی و قرضه دهی، مالی، کمپلائینس، نحوه تفتیش امورات بانکی و امثال آن را برای کارمندان بانک های دولتی و خصوصی فراهم می نماید. که از سال ۲۰۱۱ میلادی به این طرف برای بیش از ۵۰ تن از کارمندان غضنفر بانک زمینه های آموزش را مساعد نموده و ظرفیت کارمندان این بانک را ارتقا بخشیده است. حتی نجیب الحق کریمی یکتن از کارمندان غضنفر بانک از طریق این انسستیوت برای شرکت در ورکشاپ های پیشرفته بانکداری به کشور بنگلادیش اعزام شده و با کسب امتیاز عالی از این ورکشاپ، هم اکنون در موقف امریت نمایندگی مرکزی غضنفر بانک سرگرم خدمت به هموطنان عزیز ما افغانستان می باشد.

اخیراً در تاریخ ۴ حوت سال روان برخی از اساتید انسستیوت بانکداری و مالی افغانستان (AIBF) به دفتر مرکزی غضنفر بانک حضور یافته و نحوه ارائه خدمات مشتریان مبنی بر این که چگونه باید



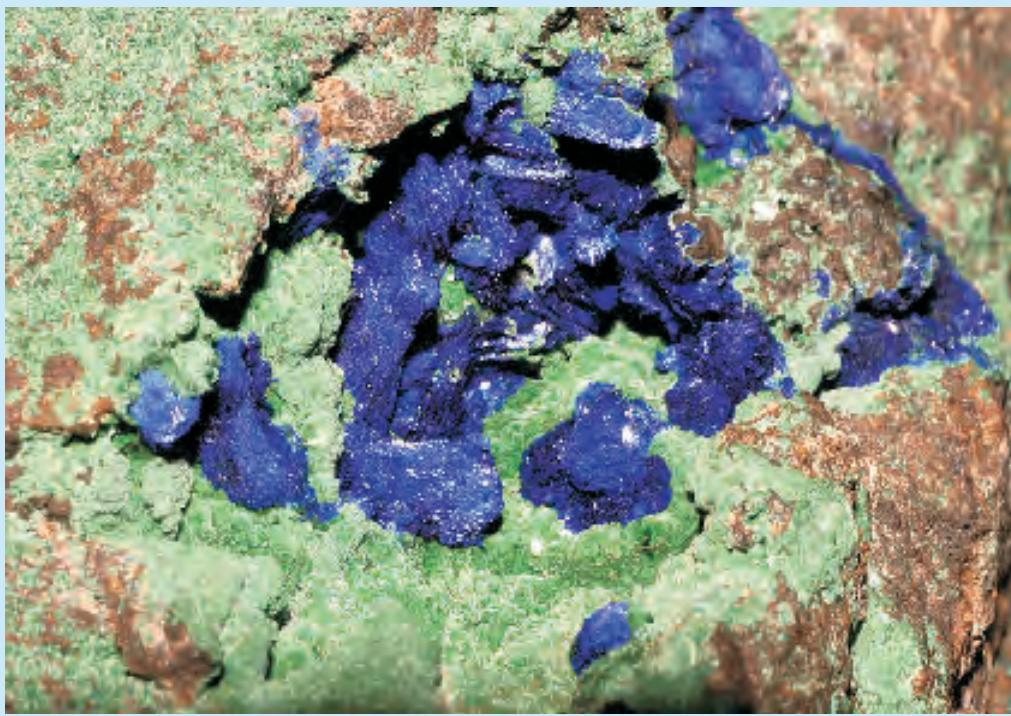
خبر و گزارش های اقتصادی

علاقمندی سرمایه گذاری دو صد کمپنی

روی معادن افغانستان

از آن پیشنهادهای شان را به دولت افغانستان برای استخراج این معدن ارائه خواهند کرد. معدن حاجی گگ بامیان که از جمله بزرگ ترین معدن آهن در جهان به شمار می رود.

نزدیک به دو صد کمپنی معتبر بین المللی علاقمندی خود را برای سرمایه گذاری در بخش استخراج معادن و منابع زیرزمینی افغانستان، نشان داده اند.



وحید الله شهرانی می گوید معدن آهن حاجی گگ نزدیک به دو میلیارد تن آهن دارد و بزرگترین معدن دست نخورده آهن در جهان است. ارزش معدن حاجی گگ با در نظرداشت قیمت آهن خام در بازار جهانی، بین سیصد تا سیصد و پنجاه میلیارد دالر تخمین شده است.

این بار اول بود که حکومت افغانستان برای سرمایه گذاران جهان، معلومات معدنی خود را به صورت خیلی شفاف و با یک دیدگاه اقتصادی ارائه کرده است.

طبق گزارش وزارت معادن، تحقیقاتی که تا اکنون روی معادن ۳۰٪ از خاک کشور صورت گرفته، ارزش آن سه تریلیون دالر تخمین زده شده است. وحید الله شهرانی، وزیر معادن در مورد نشست اخیرش در لندن که تحت عنوان فرصت‌های سرمایه گذاری در معادن افغانستان برگزار شده بود، گفت: گزارش ذخایر زیرزمینی کشور را در اختیار نزدیک

به دو صد کمپنی معتبر بین المللی قرار داده است. وی همچنین گفت با معرفی ذخایر زیرزمینی افغانستان، کمپنی های معتبر بین المللی که در زمینه استخراج ذخایر زیرزمینی فعالیت دارند، از خود علاقمندی نشان داده اند تا در بخش معادن افغانستان سرمایه گذاری کنند.

وزیر معادن می گوید به سرمایه گذاران بین المللی درباره تمام ذخایر زیرزمینی افغانستان معلومات داده شد و کمپنی هایی که علاقمندی به استخراج معدن حاجی گگ بامیان را دارند، در ماه حمل سال آینده وضعیت این معدن را از نزدیک بررسی خواهند کرد. پس



دستیابی قالین افغانستان به مدار عقاب طلایی

برای کشورهای مختلف معرفی می کند. وزیر تجارت گفت: نسبت به سال های گذشته به دلیل افزایش کار، شماری از قالین بافان به دیگر شغل های درآمدزا روی آورده اند. وی تاکید کرد که قالین در صنعت افغانستان نقش مهمی دارد و حکومت برای رشد قالین بافی تلاش خواهد کرد. وی افزود: قرار است دو پارک صنعتی قالین در جلال آباد و اندخوی ساخته شوند تا زمینه قیچی و شستشوی قالین در داخل افغانستان فراهم گردد. در حال حاضر قالین هایی که در افغانستان بافته می شوند برای قیچی و شستشو به پاکستان بردہ می شود و غالباً به نام قالین پاکستانی در بازارهای جهانی عرضه می گردد.

پیش از این قالین افغانستان توسط تاجران کوچک به بازار عرضه می شد اما حالا شرکت تنویر، سرمایه گذاری منظم در این بخش را آغاز کرده است. رئیس شرکت تنویر گفت، این شرکت در چندین ولایت افغانستان در صنعت قالین سرمایه گذاری کرده و تلاش می کند تا به نیازمندی های قالین بافان رسیدگی کند.

قالین افغانستان در نمایشگاه بین المللی دوبی که در تاریخ ۱۵ جدی ۱۳۹۰ خورشیدی در شهر دوبی برگزار شده بود، برای دومین بار جایگاه نخست را به خود اختصاص داد.

طبق گزارش اتاق تجارت و صنایع افغانستان، در این نمایشگاه یکماهه شرکت تنویر که در بخش صنعت قالین در افغانستان سرمایه گذاری کرده است، انواع قالین های افغانی را به نمایش گذاشت و در میان تقریباً ۱۲۰ کشور جهان برنده مدار عقاب طلایی شد. کسب این مدار نه تنها به شهرت و اهمیت قالین افغانی افزود، بلکه منجر به تشویق و ترغیب هرچه بیشتر مردم افغانستان به بافت قالین و سرمایه گذاری در این راستا خواهد شد.

انوار الحق احدي، وزیر تجارت کشور روز چهارشنبه، ۱۹ دلو ۱۳۹۰ در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: قالین افغانی نه تنها یکی از اقلام مهم صادرات این کشور است بلکه هویت افغانستان را





حمید رحیمی

قهرمان مشت زنی جهان

داشت. رحیمی قرار است امسال در کابل یک دوره مسابقات بوکس به نام صلح برگزار نماید. پیروزی رحیمی و کسب عنوان قهرمانی جهان انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های کشور و جهان داشته است.

پاینده محمد اختری رئیس فدراسیون بوکس کشور گفت: "با این پیروزی، جایگاه مشت زنی افغانستان در سطح دنیا نیز تغییر کرده و حریفان بزرگ ما واقعیتی به نام افغانستان را در رقابت‌های مشت زنی "باور" کرده اند." او افزود که شرکت یک دختر ورزشکار افغانستان به مسابقات المپیک ۲۰۱۲ لندن قطعی شده و به همین ترتیب سه ورزشکار دیگر نیز قرار است که در دور نهایی این مسابقات در ۱۴ حمل سال جدید، در شهر آستانه قرقستان به رقابت پردازنند.

حمید رحیمی مشت زن کشور در مسابقاتی که در تاریخ ۲۵ فبروری ۲۰۱۲ خورشید در شهر هامبورگ آلمان برگزار گردیده بود، موفق شد با شکست حریفش به عنوان قهرمانی اتحادیه بوکس جهانی برسد. روسلان رودویچ مشت زن اهل بیلاروس در راند هشتم مسابقه توسط حمید رحیمی ضربه فنی شد و شکست را از رحیمی پذیرفت.

رحیمی که بوکس غیر حرفه‌ای را از سال ۲۰۰۳ شروع کرده بود در سال ۲۰۰۷ به بوکس حرفه‌ای روی آورد و از ۲۱ مسابقه حرفه‌ای که تا حالا انجام داده است در ۲۰ مسابقه پیروز بوده است. در مسابقه شب گذشته هواداران رحیمی به شدت وی را تشویق می‌کردند، حتی سفیر افغانستان در برلین هم برای تشویق رحیمی در ورزشگاه حضور



هشت مارچ روز جهانی زن

(بیایید برای محو خشونت علیه زنان دست به دست هم دهیم)

در این محفل حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، وزرای کابینه، اعضای شورای ملی، اراکین بلند پایه دولتی و غیر دولتی، نماینده های جامعه مدنی، مهمنان خارجی و شمار زیادی از زنان و خبرنگاران اشتراک ورزیده بودند.

از هشتم مارچ، روز جهانی زن، تحت شعار بین المللی (بیایید برای محو خشونت علیه زنان دست به دست هم دهیم) از سوی وزارت امور زنان طی محفل با شکوهی در تاریخ ۲۱ حوت ۱۳۹۰ خورشیدی در تالار لیسه امانی تجلیل به عمل آمد.

وزیر امور زنان افزواد: "وزارت امور زنان به حیث یک نهاد ملی همواره کوشش می نماید تا از حقوق زنان در پرتو ارزش های اسلامی و افغانی حمایت نماید و مصمم است برای تأمین عدالت اجتماعی و ارتقای ظرفیت زنان از طریق طرح پالیسی ها و برنامه های وسیع به مبارزة خود ادامه دهد."

در بخشی از این محفل پیام زینت کرzi، بانوی اول کشور

رئیس جمهور کشور، به پیشرفت زنان در عرصه های مختلف، طی ده سال گذشته اشاره کرده، گفتند: افغانستان امروز از لحاظ نقش و حضور زنان، در جهان در رده بیستم قرار دارد. آقای کرزی از زنان و دختران خواستند که با زیور درس و تعلیم خود را آراسته نمایند تا از آن طریق هم، از حقوق خود آگاهی حاصل نموده و هم به جامعه مصدر خدمت گردند.



توسط پلوشه شهید کاکر معین مالی و اداری وزارت امور زنان به خوانش گرفته شد، در اخیر فلمی از دستاوردهای ده ساله وزارت امور زنان نیز به نمایش گذاشته شد.

قابل ذکر است که به همین مناسبت، نمایشگاه صنایع دستی زنان افغان از سوی وزیر امور زنان در مقر وزارت امور زنان، گشایش یافت که به مدت دو روز به روی علاقمندان باز است

پوهنمل داکتر حُسن بانو غضنفر وزیر امور زنان، با ابراز تبریک این روز به تمام زنان، در قسمتی از سخтан خود گفت: "خرسندم که باز هم از روز اتحاد و همدلی زنان در سراسر جهان به منظور حمایت از زنان تجلیل به عمل می آید و هدف از این تجلیل ها و برگزاری ها از یک جانب یادآوری از قهرمانی ها و مبارزات زنان شجاع و دلیری است که به خاطر احقاق حقوق شان به مبارزه برخاستند و از جانب دیگر، تجلیل از این روز تجدید پیمان به منظور بهبود وضعیت زنان است."



تجلیل روز جهانی زن در غضنفر بانک

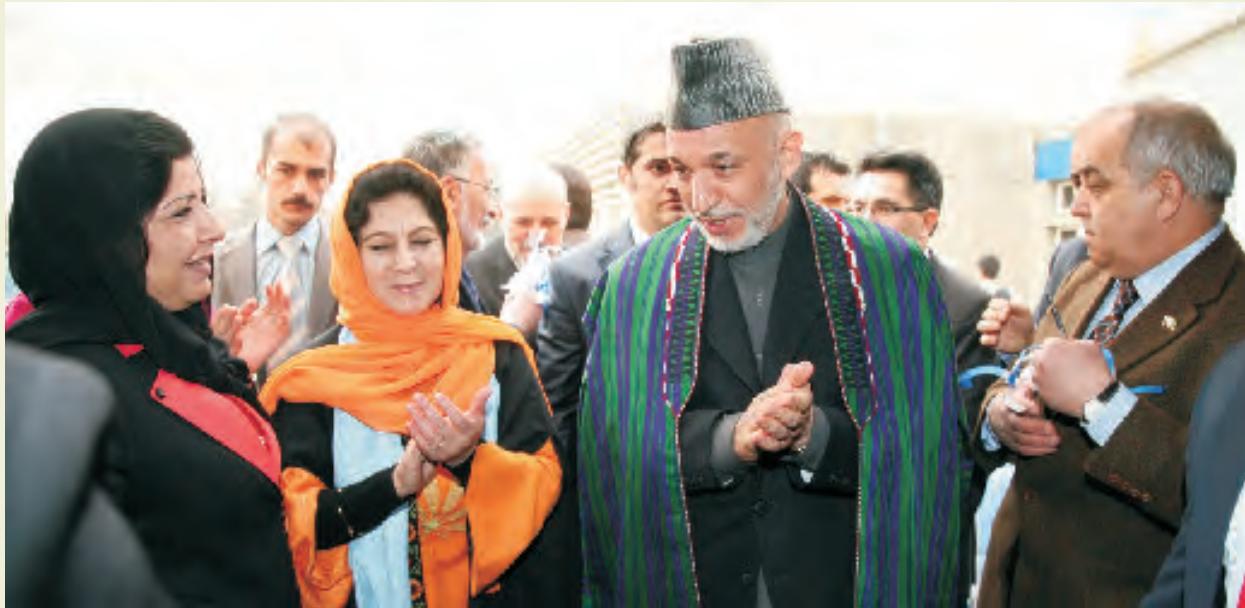
در این جلسه محترم حاشیشور رحمن امر عمومی بخش قرضه های غضنفر بانک، محترمه منیزه سخنیار مسوول بخش بانکداری اسلامی غضنفر بانک و محترم محب الله شریف مشاور شرعی بخش بانکداری اسلامی غضنفر بانک نیز طی پیام های جداگانه بی، روز زن را به زنان کارمند در غضنفر بانک تبریک گفتند.

این در حالیست که به مناسبت روز جهانی زن محترمه مریم درانی عضو شورای ولایتی قندهار از سوی وزارت خارجه آمریکا بهدلیل فعالیت های ارزشمندی که در راستای حمایت از حقوق زنان در ولایت قندهار انجام داده است، جایزه بین المللی زنان شجاع را به دست آورد و به عنوان زن قهرمان در سطح جهان شناخته شد.

در پایان این برنامه هدایایی از سوی غضنفر بانک و غضنفر گروپ به کارمندان طبقه ایانث غضنفر بانک اهداء گردید.

هشت مارچ روز جهانی زن طی مراسم با شکوهی روز پنجمینه مورخ ۱۸ حوت ۱۳۹۰ خورشیدی در غضنفر بانک تجلیل گردید.

محترم یوسف احمد حیات رئیس عامل غضنفر بانک به نمایندگی از غضنفر بانک، غضنفر گروپ و خانواده غضنفر این روز فرخنه را به کارمندان طبقه ایانث این بانک تبریک و تهنیت گفت و اظهار داشت: خوشحالم که شمار زیادی از خانم ها در حرکت در آوردن چرخه فعالیت غضنفر بانک و مطرح شدن آن به عنوان یکی از بانکهای برجسته و ممتاز در سطح کشور نقش فعالی دارند و یقیناً فعالیت مخصوصانه این شیرزنان منجر به کسب دستاوردهای عظیمی برای غضنفر بانک شده است. وی به کارمندان طبقه ایانث غضنفر بانک تعهد سپرد که به زودی زمینه رشد هرچه بیشتر آنها را مساعد خواهد ساخت تا آنها بتوانند به پست های بالاتری دست یابند و مصدر خدمت برای فامیل و کشور خود قرار گیرند.



دکتور حسن بانو غضنفر

وزیر امور زنان از ولسی جرگه رأی اعتماد گرفت

قابل یادآوریست که وزرای منتخب روز چهار شنبه مورخ ۱۷ هوت ۱۳۹۰ خورشیدی در حضور جلالتمآب حامد کرزی رئیس جمهور کشور مراسم تحلیف را به جا آوردند. ریاست جمهوری کشور با انتشار اعلامیه گفته است وزرای منتخب سوگند یاد کردند و تعهد سپرده‌ند که وظایف شان را در مطابقت با احکام دین اسلام و رعایت قوانین کشور انجام می‌دهند.



۹ تن از وزرای پیشنهادی حکومت روز دوشنبه مورخ ۱۵ هوت ۱۳۹۰ خورشیدی از مجلس رأی اعتماد گرفتند.

ولسی جرگه افغانستان برای ۹ تن از وزرای پیشنهادی حکومت دکتور حسن بانو غضنفر به عنوان وزیر امور زنان، محمد اسماعیل خان وزیر انرژی و آب، امیرزی سنگین وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، دکتور ثریا دلیل وزیر صحت عامه، داوود علی نجفی وزیر ترانسپورت و هوانوردی، نجیب الله اوژن وزیر فواید عامه، دکتور عبیدالله عبید وزیر تحصیلات عالی، حسن عبدالهی وزیر شهر سازی و مسکن و ویس احمد برمک به عنوان وزیر احیا و اکشاف دهات، رأی اعتماد دادند.

جالاتمآب حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان از اعضای ولسی جرگه که در مطابقت با قانون اساسی و سایر قوانین کشور در انتخاب وزرا سهم فعال داشتند، اظهار تشکری کرد و برای وزرای جدید کایینه جهت خدمت گذاری به مردم افغانستان آرزوی موفقیت نمود.

گردآورنده: مجتبی رهنورد



نقش بند امیر در توسعه صنعت توریزم

این سرزمین، نظیر خرابه‌های شهر تاریخی ضحاک، غلغله، بربر و چهل برج، آثار باشکوه بر جای مانده از بودایی‌ها بر سینه کوه‌ها و دریاچه‌های زیبای بند امیر، به بازدیدکنندگان و سیاحین لطف و صفاتی خاصی می‌بخشد.

بند امیر در فاصله ۲۱۵ کیلومتری کابل و درین هندوکش شرقی و سلسله کوه‌های بابا در مرکز کشور، در یکی از علاوه‌های یکاولنگ و در فاصله ۷۷۵ کیلو متری بامیان واقع است که مشکل از شش بند به نام‌های بند غلامان، بند قبر، بند هیبت که کاملاً توسط دیوارهای سنگی شیب دار احاطه گردیده است، بند پنیر در قسمت شرقی، بند پودینه در سمت شمال و بند ذوالفار که بزرگترین بند این ساحه به شمار می‌رود، ۴۹۰ هکتار زمین را احاطه کرده است این بند ها همواره مملو از آب است و سرریزه آن دریاچه‌ای را تشکیل می‌دهد که از حاشیه یکاولنگ به جانب شمال جریان می‌یابد، آب‌های چشممه ساران و جوپیاران نقاط دیگر یکاولنگ نیز به این دریاچه می‌پیوندد و آن را پرآب می‌سازند. بلخاب در شمال یکاولنگ نیز این دریاچه را در آغوش می‌کشد آب هجدۀ نهر در نزدیکی مزار شریف و بلخ نیز مولد بند امیر هستند که مناطق زیادی را در مسیر خود سیراب و شاداب می‌سازند. باید دانست که موجودیت ضمایم بند امیر در ارتفاع سه هزار متر، یک پدیده کم نظیر و قابل توجه است. از سوی دیگر همه ساله

گرچه سیاحت و گردشگری در افغانستان تاریخ کهن دارد اما متأسفانه برای فراهم کردن زمینه‌های جذب سیاحان خارجی توجه خاصی صورت نگرفته است، در حالی که امروزه صنعت گردشگری یکی از منابع سرشار درآمد عده از کشورها در جهان به شمار می‌رود. سود سرشاری که از این طریق به ذخایر مالی کشورها سرازیر می‌شود، دولتها را بر آن داشته تا برای جلب سیاحان و گردشگران، مبالغ هنگفتی را خرج توسعه جاذبه‌های گردشگری کشورشان نمایند. این صنعت، در برخی از کشورها، چنان توسعه و رونق یافته است که بخش بزرگی از بودجه آن‌ها از این منبع تأمین می‌شود.

اماکن تاریخی و طبیعت زیبای کشور ما، از نگاه جاذبه‌های گردشگری، از مقام خاصی برخوردار است؛ طبیعت بکر، کوه‌های سر به فلک کشیده، دریا‌های خروشان، زندگی عنعنوی مردم، آثار تاریخی به جای مانده از دوره‌های یونانی- باختری، کوشانی، اسلامی و... همه ظرفیت‌های پُرکششی هستند که سیاحان را به بازدید از افغانستان تشویق می‌نمایند.

یکی از جاذبه‌های ممتاز گردشگری افغانستان، بند امیر است که در ولایت بامیان قرار دارد. آثار تاریخی بامیان برای سیاحان داخلی و خارجی در حدی برازنده است که سفر نخست خود را به این ولایت اختصاص می‌دهند. زیرا بدون بازدید از آثار تاریخی و مناظر طبیعی





این بند که یکی از زیباترین جاذبه های سیاحتی کشور به شمار می رود، در طول تاریخ مورد توجه دولت ها قرار نگرفته است. تمام جاذبه های منتهی به بند امیر، خاکی است. گردشگران باید این مسیر طولانی و خاکی را پیمایند تا به بند امیر برسند، در اطراف و نزدیکی این بند هیچگونه امکاناتی از قبیل هتل، مسافرخانه، فروشگاه، سرویس بهداشتی، وسایل تفریح و سرگرمی و... برای رفع خستگی سیاحان وجود ندارد. اما اگر راه های منتهی به این بند و دیگر اماکن

تعداد کثیری از جهانگردان برای تماشای آن، راه بامیان را در پیش می گیرند. گفته می شود در ماه جوزای ۱۳۵۶ یک هیأت ۱۲ نفری وابسته به موزیم موسسه مطالعات مغاره ها از جمهوری چکسلواکیا سابق به افغانستان سفر نمود، این هیأت متشکل از مغاره شناس، غواص، زمین شناس و جغرافیه دان بود که سه روز در بند امیر به تحقیق پرداخت، این هیأت عمق آب های بند امیر را ۳۰ متر اعلام کرد که در بعضی از قسمت ها بیشتر از آن نیز می باشد.



تاریخی بامیان بازسازی و اسفالت شود، امکانات آسایش و جذب سیاحان فراهم گردد، یقیناً که بند امیر خواهد توانست تا سیاحان بی شماری را از سراسر جهان به سوی خود جذب نمایدو فرهنگ استقبال از سیاحان به منظور تقویت بنیه مالی کشور ما احیا گردد.

باورهای مذهبی مردم محل مقام بند امیر را در نزد زایرین بزرگ و عزیز نموده است، زیرا از این دریاچه ها، به نام های «زیارتگاه قدمگاه»، «چشمۀ شفا» و امثال آن یاد می کنند. حتی بسیاری از مردم هزاره برای درمان بیماری از این بند ها بازدید می نمایند.



ع.ح. ملاخیل

تعلیم و تربیت عامل عمدهٔ تشکیل سرمایه انسانی

آموزش تعییراتی است که در رفتار افراد در اثر تجربه یا گذراندن مراحل درسی به وجود می‌آید، آموزش در چارچوب مکتب و مدرسه محدود نشده بلکه پدیدهٔ مداوم و مستمری است که می‌توان آنرا در طول زندگی تجربه نمود. تعلیم و تربیه صرف کسب دانش و مهارت‌ها از طریق سازمان‌های رسمی نبوده بلکه تجارت و مهارت‌هایی را که یک فرد در جریان انجام وظایف فرا می‌گیرد نیز شامل می‌شود. در حال حاضر تعلیم و تربیه به دلیل گسترش دامنه علوم، تجارت بشتری، اکتشاف تکنالوژی و پیشرفت‌های صنعتی به منظور جستجوی راه‌های کاربرد این اکتشافات به یکی از شاخص‌های مهم رشد جوامع تبدیل شده و از اثر آن گرایش و توجه به

تعلیم (آموزش) درلغت به معنای دانش آموختن و یاد دادن است و تربیت (پرورش) به معنی پروراندن، پروردن و آداب و اخلاق به کسی آموختن می‌باشد. محافل علمی و تربیتی تعلیم و تربیت را از هم ج دانمی‌دانند و به این عقیده هستند که آموزش مکتب و قبل از آن وسیلهٔ بی‌است که از طریق آن زمینه‌های و مقدمات پرورش بعدی فراهم می‌گردد. اگر تعلیم به شیوه درست انجام شود نوعی از پرورش و وسیلهٔ بی‌است که از طریق آن تعییرات مهمی در عادات نگرش‌ها، گرایش و شیوه برخورد با مسائل و خصوصیات فکری افراد به وجود می‌آید و سطح آگاهی آنان را بالا می‌برد بدین صورت تعلیم محور تربیت پنداشته می‌شود.

تعلیم و تربیت عامل عمدۀ تشکیل سرمایه انسانی

از اثراین سرمایه گذاری ها است که زمینه ایجاد و باوری خلاقیت ها، توانایی ها، و مهارت ها در انسان ها یعنی اینکه افراد صاحب ذخیره ثروت انسانی می شود. از اثر این ثروت انسانی ظرفیت ها بهبود یافته و کارایی نیروی انسانی را افزایش داده ظرفیت ها و توان تولید را بلند می برد.

فلس و نلسون دو تن از دانشمندان بخش آموزش و پرورش اظهار می دارند که برای کشوریکه دارای ذخیره سرمایه انسانی بالاتری است امکان جذب تولیدات جدید، تکنالوژی و امکانات اختیارات نوین فراهم می گردد به همین اساس است که ایالات متحده امریکا کشور های اروپایی و جاپان پیشرفت اقتصادی خودرا مديون سرمایه گذاری هایی می دانند که از گذشته ها به این طرف در تعلیم و تربیه آنها صورت گرفته است. همین حالا هم برای کشورهای پیشرفته و کشور هایی که در حال پیوستن به جرگه کشور های پیشرفته هستند، سرمایه گذاری و انجام هزینه ها بر انسان ها در اولویت قرار دارند.

این را هم باید در نظر داشت که صرفاً و صرفاً تعلیم و تربیه موجود و باورنامودن سرمایه انسانی نبوده بلکه هر فعالیتی که کمیت و بهره وری نیروی کار را افزایش داده متناسب به آن باعث بلند رفتن عاید بعدی گردد، نیز سرمایه انسانی محسوب می شود. بدین صورت مصارفی که در عرصه صحت و درمان، مهاجرت (مهاجرت ها به هدف کسب داشن، شرایط مساعد و بهتر زندگی و کسب عاید بیشتر باشد) نیز سرمایه گذاری به منظور سرمایه انسانی محسوب می گردد.

در پی تعلیم و تربیت که در یک کشور صورت می گیرد به سطوح مختلف سرمایه معنوی را در افراد تراکم می نماید، اما آن سرمایه انسانی موثرتر خواهد بود که در ذهن دارنده آن تفکر مستقل و نیروی عکس العمل ایجاد نماید، یعنی آن مهارت را داشته باشد که در روند تغییر و تحول جامعه بتواند طوری عمل نماید که مهره پایداری این تغییرات گردد.

از آنجایی که ما برای بیرون رفت از وضع رقت بار کنونی نیازمند باز سازی و دگرگونی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی هستیم و بدون آن هیچ معجزه یی مشکلات ما را حل کرده نمی تواند بنابرآ توجه به کمیت و کیفیت تعلیم و تربیه که جوابگوی نیازمندی ها باشد ضرورت اکید احساس می گردد. درین صورت از دست اندر کاران تعلیم و تربیه (چه دولتی و چه هم خصوصی) توجه دلسوزانه را تقاضا داریم تا بدین صورت بتوانیم حداقل وظایف ملی خویش را انجام داده و خدمتی به اقتصاد ویران و درهم و برهمن کشور انجام دهیم.

کمیت و کیفیت سازمان ها و نهاد های تعلیمی و تربیتی صبغه جهانی را به خود گرفته است.

سیستم تعلیم و تربیه در یک کشور از نظام های مهم اجتماعی است مصارف انجام شده به منظور تعلیم و تربیه علاوه بر وظیفه انتقال میراث های فرهنگی و تجارب بشری از یک نسل به نسل دیگر، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت ها، نگرشها و در نهایت دگرگونی در رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان را به بار می آورد که حاصل آن به بارآوردن شخصیت هاست. شخصیت فرهنگی اصلی ترین عامل ایجاد توسعه اقتصادی است که منحیت عامل عمدۀ در روند تکامل تاریخی و دگرگونی های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نقش بازی می کند.

تولید دلخواه اقتصادی و انکشاپ آن وابسته به آن است که متحول های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طوری بی ریزی شوند که بتوانند موجبات ایجاد و تداوم انکشاپ را فراهم سازند تجارت حاصل شده از سیر تاریخی انکشاپ نشانده نده آنست که در مراحل اولیه انکشاپ یعنی در مرحله ایجاد فضای لازم و مناسب برای رشد و انکشاپ سرمایه فزیکی دارای اهمیت است اما در دوام این پروسه عوامل فرهنگی و اجتماعی موثرتر و کلیدی تر است. در مورد نقش این عوامل اتفاق نظراتام وجود ندارد. هنگ کار شناس امور اقتصادی به این نظر است که شخصیت فرهنگی اصلی ترین عامل ایجاد کننده انکشاپ اقتصادی است و تحولات اقتصادی را مغلول تحول فرهنگی و منبع آن دانسته و بیان می کند که تحول اساسی و زیربنایی در فرهنگ و تکنیک در جامعه باعث می شود که اقتصاد از حالت رکود فرهنگی خارج شده و رشد و توسعه آغاز گردد. موثریت سیستم های تعلیم و تربیه که بخش بزرگی از مصارف را به خود اختصاص می دهد در آنست که از یک طرف انسان های عادی را به انسان های مستعد، سالم، بالاند و رشد یابنده تبدیل می کند از جانب دیگر به متابه سرمایه انسانی تأمین کننده ضرورت بخش های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است یعنی سرمایه انسانی تأمین با سرمایه فزیکی (ماشین آلات، تأسیسات، راه ها، خطوط آهن، انرژی، زمین وغیره) در تولید و رفع ضرورت های جامعه سهیم می شود.

سرمایه انسانی همانا ذخیره ثروت انسانی است. این ثروت انسانی کارآئی نیروی انسان را می سازد که ناشی از انکشاپ ظرفیت ها از اثر سرمایه گذاری بر انسان ها در جریان تعلیم و تربیه و کسب تجارت حاصله است. چون به صورت معمول سرمایه را به کالای مولد مادی نسبت می دهند، درحالیکه بزرگترین سرمایه شکل یافته در اجتماع برای پیشبرد امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همانا سرمایه گذاری روی انسان هاست. یعنی سرمایه گذاری در ابعاد ارزشی، روحی، فکری و جسمی.



طوبی رحمانی

انسان و محیط زیست

طبیعت، بستر رشد و تعالی انسان

فرهنگ اسلامی، طبیعت را گهواره و زمینه ساز پرورش و کمال انسان می داند. نظام طبیعت، بر اساس حکمت آفریده شده و همه عناصر آن از ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا آدمی در پرتو آنها از مادیت به معنویت برسد و دنیا و آخرت را به شایستگی در خود به کمال برساند. یکی از صفات خداوند، حفیظ است بر اساس آموزه های دینی، انسان مسلمان نیز باید خود را به این صفت بیاراید و خود را در هر مکان و موقعیتی نگه دارنده و پاسدار امانت ها و نعمت ها از جمله محیط زیست انسانی بداند. پیشگیری از نابودی و تلف شدن طبیعت نیز با رعایت امانت داری و حفاظت امکان پذیر است.

طبیعت و محیط زیست، موهبتی خداوندی است که زندگی و ادامه حیات به آن وابسته است. آلودگی محیط زیست بر کیفیت و چرخه طبیعت اثر می گذارد و بی آمدہای زیان باری برای زندگی انسان، حیوان و گیاهان دارد. در جهان امروز، مسئله آلودگی، یکی از مهم ترین و حادترین مشکل تمدن انسانی است و نقش انسان در آلودگی محیط زیست بسیار چشم گیر است. طبیعت، برای بقای نسل بشر آفریده شده است و پیوندی ناگسستی میان انسان و طبیعت دارد. طبیعت، نعمتی است که خداوند به امانت در اختیار انسان قرار داده بنابر این انسان ها اجازه ندارند لجام گسیخته از طبیعت بهره برداری کنند و حق ندارند با آلوده کردن و ویران ساختن طبیعت، به آسایش برستند.



نقش خاک در محیط زیست انسان

از انواع آلودگی های محیط زیست یکی هم آلودگی خاک است. خاک، از منابع مهم طبیعت و پالایینده و تصفیه کننده آن است. بدون خاک سالم، ادامه زندگی ممکن نیست؛ زیرا نود و پنج درصد غذای انسان از زمین تأمین می شود. خداوند، زمین و آسمان و همه نعمت های آن را برای آدمی آفریده و طبیعت را رام و مطیع انسان ساخت تا بتواند هرگونه بهره را از آن ببرد. همه عناصر طبیعت، نه تنها متعلق به همه انسان ها بلکه متعلق به تمام آفریده های خداوند است، هیچ کس حق نابودی و آلودگی آنها را ندارد. عواملی چون رشد شهرنشینی، افزایش زباله های شهری و جذب شدن برخی مواد کیمیایی در خاک، حفاری های معادن، استفاده بی رویه از سموم و دوای خدآفات نباتی و مصرف بیش از حد کودهای کیمیایی، به فرسایش و آلودگی خاک و تخریب سطح زمین می انجامد. منابع محیط زیست، از مشترکاتند و همه حق دارند درست و منظم از آنها استفاده بکنند، هیچ کسی حق ندارد با آلوده کردن و استفاده نا درست آنها، زیست دیگران را به محیطی غیرصحی، دشوار و خطر آفرین تبدیل کند و همه در برابر این عناصر، مسؤول هستند.

دنیای امروز و محیط زیست بی روح

دنیای صنعتی امروز با تخریب جنگل ها و نابودی فضاهای سبز و پژمردگی و مرگ گل و گیاه روبرو است. پیشرفت بی رویه صنعت، همان گونه که صفا، یک دلی و پیوندهای استوار خانوادگی را از مردم صنعت زده گرفته و روان شان را زنجور و افسرده ساخته است، آخرین روزنه های امید را نیز که جنگل ها و دشت های خرم و مزرعه های سرسبیز بود، تباہ ساخت و انسان را در میان آهن های خشن، دیوارهای استنادی و دود و آلودگی های گوناگون صنعتی، بی کس و تنها رها کرد. اکنون انسان های بی شماری به سرگردانی، پریشان حالی و افسردگی دچار شده اند که نتیجه شوم و ناخواسته جهان صنعتی است و آرام آرام به فاجعه ای انسانی تبدیل می شود. گفتنی است که دانشمندان، آفات صنعتی را بیش از بلاهای طبیعی دانسته اند. بر این اساس، احیای دوباره محیط زیست و برگرداندن شادابی زمین به آن، نقش مهمی در ایجاد روحیه نشاط و امید در انسان دارد. بنا براین پرهیز از آلوده کردن خاک و استفاده درست از آن، به منظور تأمین نیازهای انسان، نوعی شکرگذاری، دوستی با طبیعت و امانت داری در مقابل نعمت های خداوندی است.

در بینش دین اسلام، انسان پیوند ویژه ای با طبیعت دارد. انسان از زمین پدید آمده است و باید حرمت آن را نگه دارد، حفظ حرمت زمین به این است که آن را آباد سازند و از ویرانی در امان دارند. از نگاه قرآن، آبادانی زمین، وظیفه انسان است. خداوند با اینکه طبیعت را رام شده انسان می داند و اینکه می تواند هرگونه بهره برداری از آن بکند، به او هشدار می دهد که به بهانه استفاده از طبیعت، نباید آن را نابود سازد. باید به گونه ای از طبیعت بهره برد که جریان حیاتبخش همچنان برای نسل های آینده فراهم باشد. آلوده کردن آب ها، از میان بردن پوشش های گیاهی، استفاده بی رویه از چوب جنگل ها، هدر دادن انرژی طبیعی و کوتاهی در بازسازی محیط زیست، در واقع، دور شدن از آموزه های ارزشمند انسانی و الهی است.

جنگل؛ طلاق سبز

جنگل، از ثروت های طبیعی و از عناصر مهم حیات وحش هر زمینی به شمار می آید. با قطع درختان و نابودی جنگل ها، به پیشروی آب باران در زمین های صاف و هموار و در نتیجه از ذخیره شدن آب در خاک جلوگیری می شود و به دنبال آن، فرسایش منابع طبیعی آغاز می گردد.

عواملی همچون توجه نکردن به ارزش های زیست محیطی و تنوع زیست، سامان ندادن به مراکز جمعیتی و مشاغل داخل و حاشیه جنگل ها، بهره برداری بی رویه و غیراستاندار از درختان و منابع جنگلی و جاده سازی، در سرعت بخشی به تخریب وسیع این منابع ارزشمند بسیار مؤثرند. جنگل، هدیه الهی و دوست لازم بشر به شمار می رود. هیچ یک از پدیده های طبیعت، به اندازه جنگل در زندگی سالم انسان ها نقش اساسی ندارد. انسان نخستین، تنها در پناه طبیعت توانست به حیات و تولید نسل خود ادامه دهد. آدمی در قبال نگهداری جنگل و نوع بهره وری از آن، مسؤول است. بدیهی است که جنگل، فقط متعلق به یک نسل و زمان خاص نیست، بلکه یک سرمایه ملی و جهانی است. در آموزه های دینی نیز بارها به اهمیت درخت و درخت کاری و حفظ و پرورش گیاهان اشاره شده است.

پیامبر گرامی اسلام در حديثی فرمود: «هر که درختی بنشاند و ثمر دهد، خداوند به اندازه میوه های آن درخت به او پاداش می دهد.»



نماینده‌گی های غضنفر بانک از شما استقبال می‌کند



نماینده گی غضنفر بانک در شهر کندز
آدرس: شمال چوک عمومی - مارکت زرگری حاجی امان - شهر کندز
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0075
kunduz@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در شهر جلال آباد
آدرس: چوک مخابرات - کوچه سطنتی فروشی - شهر جلال آباد
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0008
jalalabad@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در شهر باستانی هرات
آدرس: چوک گلهای - حاده شمالی مسجد جامع - شهر هرات
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0070
herat@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در شهر نو کابل
آدرس: چهار راهی توره باز خان - شهر نو
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0042
shahrenew@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در ولایت تخار
آدرس: چوک شهر تلغان - رسته خاپلی - نارمیده به مسجد جامع - شهر تلغان
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0073
takhar@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در سرای شهزاده کابل
آدرس: سرای شهزاده - کابل
شماره تلفن: +93 (0)775 786 786 / +93 (0)202 101 111
+93 (0)798 786 786 / +93 (0)707 786 786
+93 (0)79 786 0003
info@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در شهزاده کابل
آدرس: شهزاده مازار - کابل
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0010
shazada@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در شهر مزار شریف
آدرس: شهزاده مازارکیت - دروازه بلخ - مزار شریف
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0080
mazar@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در شهر گنبدی حریتان
آدرس: چوک پندزی حریتان - مزار شریف
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0022
hayratan@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



نماینده گی غضنفر بانک در شهر پلخمری
آدرس: چوک پلخمری - قیصل مارکیت - منزل دوم - پلخمری
شماره تلفن: +93 (0)79 786 0038
polekhomri@ghazanfarbank.com
www.ghazanfarbank.com



ناهید محمدی

خلاقیت و نوآوری

هدف باید پرورش انسان‌هایی باشد که بتوانند با مغز خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آنها بپردازنند. به گونه‌ای که انسان‌ها بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره‌گیری از دانش

با پیشرفت روز افرون دانش و تکنولوژی و جریان گسترشده اطلاعات، جوامع امروزی نیازمند آموزش مهارت‌هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری به پیش برود.





Zarine Khan

خلاقیت خواهد بود.

یکی از عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در یک جامعه، زمینه‌سازی و بسترسازی فرهنگ خلاقیت در بین انسان‌ها است که براساس آن همگان در تلاش برای رشد دادن دیگری هستند و با تأثیر بر روی یکدیگر به پیشرفت جامعه کمک می‌کنند. یکی از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو، وجود آرامش برای مغز است. به همین خاطر لازم است انسان‌ها بکوشند در جامعه شرایطی پدید آید که در بستر آن مغز بیندیشد و تکامل یابد و سبب ساز افکار نو شده و شرایط برای سازندگی در جامعه مهیا شود. با افزایش سپرده گذاری‌های اخلاقی می‌توان شرایط را برای شکل گیری یک محیط آرامبخش در جامعه فراهم کرد.

جماعی و تولید افکار نو مشکلات را از میان بردارند. امروزه انسان‌ها نیازمند آموزش خلاقیت هستند که با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادتمند قدم بردارند. رشد فزاینده اطلاعات، سبب شده است که هر انسانی از تجربه و علم و دانشی برخوردار باشد که دیگری فرصت کسب آنها را نداشته باشد، لذا به جریان انداختن اطلاعات حاوی علم و دانش و تجربه در بین انسان‌ها یکی از رموز موفقیت در دنیا امروز است. هیچ کس قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هر کس که در گوشه ذهن او نهفته است پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می‌آید که انگیزه‌ای قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می‌شود. در این مرحله انسان‌ها به سرنوشت یکدیگر حساسند و در جهت رشد یکدیگر می‌کوشند و در نهایت سبب می‌شود جریانی از علم و دانش و تجربیات میان آنها جاری شود که همین امر زمینه‌ساز نوآوری و



می‌کنند جو رج اف نلر در کتاب هنر و علم خلاقیت برای خلاقیت مراحل چهارگانه: آمادگی، نهفتگی، اشراف و اثبات را ذکر کرده است. از این دید، افراد خلاق ابتدا با مسئله یا یک فرصت آشنا شده و سپس از طریق جمع آوری اطلاعات با مسئله یا فرصت مورد نظر در گیر می‌شوند. در مرحله بعد افراد خلاق روی مسئله تمرکز می‌کنند، در این مرحله فعالیت ملموسی مشاهده نمی‌شود و فرد سعی در نظم دادن تفکرات، اندیشه‌ها، تجارب و زمینه‌های قبلی خود جهت نیل به یک ایده دارد. در گیری ذهنی عمیق فرد (خودآگاه و ناخودآگاه) فراهم کردن فرصت (جهت تفکر بر مسئله) منجر به خلق و ظهور ایده‌های جدید و بدیع می‌شود. در نهایت فرد خلاق در صدد بر می‌آید صلاحیت و پتانسیل ایده خویش را به اثبات برساند.

نوآوری چیست؟

منظور از نوآوری خلاقیت متجلی شده و به مرحله عمل رسیده است، به عبارت دیگر نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته؛ نوآوری همانا ارائه محصول، فرایند و خدمات جدید به بازار است؛ نوآوری به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است. خلاقیت به طور عام یعنی توانایی ترکیب اندیشه‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد یا ایجاد ارتباطی غیرمعمول بین اندیشه‌ها. نهادی که مشوق نوآوری است نهادی است که دیدگاه‌های ناشناخته به مسائل یا راه حل‌های منحصر برای حل مسائل را ارتقا می‌دهند. نوآوری فرایند کسب اندیشه‌های خلاق و تبدیل آن به محصول و خدمت و یا یک روش عملیاتی مفید است.

بعضی افراد براین باورند که خلاقیت ذاتی است، برخی دیگر باور دارند که با آموزش هر کس می‌تواند خلاق شود. در دیدگاه دوم خلاقیت را می‌توان فرایندی چهار مرحله‌ای دید مرکب از ادراک، پرورش، الهام و نوآوری. ادراک یعنی نحوه دیدن چیزها. خلاق بودن یعنی چیزها را از زاویه ای منحصر به فرد دیدن.

به عبارتی یک کارمند ممکن است راه حل‌های یک مسئله را طوری ببیند که دیگران نمی‌توانند آن طور ببینند. رفتن از ادراک

کاهش سپرده گذاری های اخلاقی در جامعه سبب می شود که زمینه برای گسترش شدن روابط اجتماعی گسترش یابد و با سست شدن پیوندهای اجتماعی، شرایط لازم برای بروز خلاقیت در جامعه سخت تر می‌شود. زیرا فرصتی برای تفکر کردن وجود نخواهد داشت.

خلاقیت چیست؟

خلاقیت یعنی تلاش برای ایجاد یک تغییر هدفدار در توان اجتماعی یا اقتصادی اداره، به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید، توانایی پرورش یا به وجود آوردن یک اندیشه جدید و طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به طرز نوین را خلاقیت می‌گویند. اما خلاقیت از دیدگاه روانشناسی یکی از جنبه‌های اصلی تفکر یا اندیشیدن است. تفکر عبارت از بازآرایی یا تغییر اطلاعات و نمادهای کسب شده موجود در حافظه درازمدت است. براساس این تعریف خلاقیت ارتباط مستقیمی با قوه تخیل یا توانایی تصویرسازی ذهنی دارد. این توانایی عبارت از فرایند تشکیل تصویرهایی از پدیده‌های ادراک شده در ذهن و یا یافتن راههای جدید برای انجام دادن بهتر کارها است. خلاقیت یعنی توانایی ارائه راه حل جدید برای حل مسائل و ارائه فکرها و طرح‌های نوین برای تولیدات و خدمات جدید و استمرار آن پس از غیبت آن پدیده‌ها. اما تعریف خلاقیت از دیدگاه اداری به معنای ارائه فکر و طرح نوین برای بهبود و ارتقاء کمیت یا کیفیت فعالیت‌های یک اداره؛ مثلاً افزایش بهره‌وری، افزایش تولیدات یا خدمات، کاهش هزینه‌ها، تولیدات یا خدمات از روش بهتر، تولیدات یا خدمات جدید و غیره.

روبرت جی استرنبرگ و لیندا ای اوهارا دونن از کارشناسان امور اجتماعی در بررسی‌های خود دانش، توانایی عقلانی، سبک فکری، انگیزش، شخصیت و محیط را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته‌اند. این محققان مشخص کردند که عدمه‌ترین دلیل عدم کارایی برنامه‌های آموزش خلاقیت، تاکید صرف این برنامه‌ها بر تفکر خلاق به عنوان یکی از منابع مؤثر در خلاقیت می‌باشد. جایی که سایر عوامل نیز تأثیر بسزایی در موفقیت و شکست برنامه‌های آموزشی خلاقیت ایفا



نقش مدیریت در پرورش خلاقیت

نقش مدیریت در مجموعه‌هایی که خلاقیت و نوآوری از ضروریات و عامل اصلی است بسیار مهم و حساس است زیرا مدیریت می‌تواند توانایی و استعداد خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد، ترویج و تشویق کند و یا رفتار و عملکرد او می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. هنر مدیر خلاق عبارت است از استفاده از خلاقیت دیگران و پیدا کردن ذهن‌های خلاق. مدیر خلاق باید فضای بی‌افرینند که خودش بتواند خلاق باشد و افراد سازمان را نیز برای خلاقیت تحریک کند و این فضای فضایی است که از کار روزمره به دور است و به نحوی تقویض اختیار می‌کند تا هر کسی خود مشکل خودش را حل کند. برای این که افراد در اداره به تفکر پردازند باید محیطی ایجاد شود که در آن به نظریات و اندیشه‌ها امکان بروز داده شود. یکی از شیوه‌های بسیار مهم و پر جاذبه پرورش شخصیت انسان‌ها و همین طور خلاقیت و نوآوری و حتی رشد اجتماعی مشورت است و بدون تردید افرادی که اهل مشورت هستند از عقل و فکر بیشتری برخوردارند و آنان که اهل آن نیستند از این امتیاز بهره‌ای ندارند. یک اداره خلاق تا اندازه زیادی به داشتن استقلال کاری کارکنانش وابسته است. استقلال کاری کارمند را در خواستن و تمایل برای ارائه ابتکار و خلاقیت به نمایش می‌گذارد.

مدیران می‌توانند هر سه مولفه خلاقیت یعنی تخصص، مهارت‌های تفکر خلاق و انگیزش را تحت تأثیر قرار دهند. اما واقعیت آن است که تأثیرگذاری بر دو مولفه اول بسیار دشوارتر و وقت گیرتر از انگیزش است. انگیزش درونی را می‌توان حتی با تغییرات جزئی در محیط سازمان به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داد. این بدان معنا نیست که مدیران باید بهبود تخصص و مهارت‌های تفکر خلاق را فراموش کنند. اما زمانی که اولویت بندی در اقدام مطرح می‌شود، آنها باید بدانند که اقدامات مؤثر بر انگیزش درونی، نتایج فوری تری را موجب خواهند شد.

به حقیقت به هر حال فوراً اتفاق نمی‌افتد. در عوض اندیشه‌ها از فرایند پرورش می‌گذرند. بعضی اوقات کارکنان نیاز دارند که در مورد اندیشه‌های خود تعمق کنند. این به معنای فعالیت نکردن نیست بلکه در این مرحله کارکنان باید داده‌های انبوهی را که ذخیره، بازیابی، مطالعه و دوباره شکل دهی کرده‌اند در نهایت در قالب چیزی جدید بریزنند. گذشت سالیان برای طی این مرحله امری طبیعی است.

در فرایند خلاقیت الهام آن لحظه‌ای است که تمامی تلاش‌های قبلی شما به طور موفقیت آمیز به ثمر می‌رسند. گرچه الهام به شفعتی انجامد اما کار خلاقیت تمام نشده است. خلاقیت به تلاش نیاز دارد. نوآوری یعنی گرفتن آن الهام و تبدیل آن به تولیدی مفید خدمت یا روش انجام چیزی. این گفته را به ادیسون نسبت می‌دهند که «خلاقیت یعنی یک درصد الهام و ۹۹ درصد عرق ریختن» به عبارتی ۹۹ درصد نوآوری را آزمودن، ارزشیابی کردن و باز آزمودن آن چیزهایی تشکیل می‌دهد که توسط الهام دریافت شده است. عموماً در این مرحله است که یک فرد دیگران را بیشتر مطلع و درگیر آن چیزی می‌کند که روی آن کار کرده است.

ویژگی‌های افراد خلاق

روانشناسان و کارشناسان امور اجتماعی سلامت روانی و ادراکی، انعطاف پذیری، ابتکار، ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی، استقلال رأی، داوری، کنجدکاوی، دادن ایده‌های زیاد در باره یک مسئله، ارائه ایده‌های غیر عادی، توجه جدی به جزئیات، دقت و حساسیت نسبت به محیط، روحیه انتقادی، علاقه وافر به آزمایش کردن و تجربه، نگرش مثبت نسبت به نوآفرینی، آرامش و آسودگی خیال، شوخ طبعی، دلگرمی و امید به آینده، توانایی برقراری ارتباط عمیق و صمیمانه با دیگران، اعتماد به نفس، بیش قدمی در قبول و رویارویی با مسائل، مسؤولیت پذیری و توانایی سازمان دادن به فعالیت‌های گوناگون و قدرت جلب حس اعتماد و اطمینان دیگران را مهمترین ویژگی‌های افراد خلاق بیان داشته‌اند.



خواص غذایی و درمانی انجیر

- جوشانده برگ انجیر در منظم نمودن عادات ماهیانه خانم هایی که مبتلا به بی نظمی عادت ماهانه شده اند، مؤثر است که باید جوشانده را چند روز قبل از عادت ماهانه مصرف نمایند.
- شیر سفیدی که از دم برگها یا میوه انجیر خارج می شود بهترین درمان میخچه و زگیل است و باید آن را صبح و شب روی میخچه گذاشت تا آن را زایل کند.
- انجیر برای نرم کردن سینه و روده ها دارای خاصیت معروفی است.



- اگر ۴۰ تا ۱۲۰ گرام انجیر خشک را در یک لیتر آب بجوشانید، جوشانده ای بدست می آید که برای معالجه زکام های شدید و تورم های حنجره مفید است.

- دم کرده برگ های آن به مقدار ۲۶ تا ۳۰ گرام در یک لیتر آب، مسکن و برای معالجه سرفه تجویز می شود.

- جوشانده انجیر خشک در التهاب دستگاه تنفس تجویز می شود. کولی و غرغره کردن جوشانده انجیر خشک برای درمان گلو درد و سرما خوردگی بسیار مؤثر است.

- اگر ۵ تا ۷ گرام انجیر خشک رادر مقداری آب ریخته و با آتشی ملايم پیزند تا به صورت شربتی درآید این شربت درد گلو را آرام می کند و سرفه را تسکین می دهد.

- صرف گرد انجیر به جای قهوه در بیماریهای برونشیت، سینه پهلو

انجیر میوه ای مقوی، شیرین، نیروبخش، خوش طعم و فربه کننده است که در قرآن به آن سوکنید یاد شده است. گرچه درخت انجیر در اکثر نقاط دنیا می روید اما درخت این میوه از آسیای غربی و کشورهای مدیترانه به عربستان، سوریه و فلسطین برده شده است . بلندی درخت انجیر تا شش متر می رسد و به دلیل عدم مقاومت در مقابل سرمای شدید، بیشتر در مناطق معتدل و گراماسیر غرس می شود. درخت انجیر از سال چهارم تا بیست سالگی سالیانه سه مرتبه (بهار، تابستان و خزان) میوه می دهد. انجیر، قند زیادی دارد. ۵۰ درصد انجیر خشک را قند تشکیل می دهد. همچنین منبع خوبی از پتاسیم ، مگنیزیم ، کلسیم ، فسفر و ویتامین های C ، B ، A است.

بر اساس نتایج پژوهشی جدید در مصر، انجیر تازه یا خشک بهترین ماده انرژی زا برای ورزشکاران است. نیم ساعت پس از خوردن انجیر، قند آن به راحتی جذب بدن می شود و انرژی مورد نیاز ورزشکاران تأمین می شود.

انجیر تازه حاوی پتاسیم و کلسیم و آهن و ویتامین های گروه «ب» است که برای سلامت پوست و عضلات و اعصاب مفید است. انجیر خشک حاوی مواد غذایی غلیظ شده است و میزان ویتامین ها و مواد معدنی و کالری آن بیشتر از انجیر تازه است (در حدود عبارت) ماده پکتین انجیر خشک کلسترول خون را کاهش می دهد.

خواص درمانی انجیر

- انجیر ادرارآور است و کسانی که به خروج ادرار احتیاج دارند باید انجیر مصرف کنند. انجیر سینه را نرم می کند.
- جوشانده ۴۰ تا ۱۲۰ گرام انجیر در یک لیتر آب برای معالجه برونشیت مزمن، زکام و گرفتگی صدا مفید است.
- مربا و کمپوت انجیر برای درمان بیوست مؤثر است لذا میتوان ۳ تا ۴ انجیر تازه راچهار قطعه کرده و در نیم لیتر شیر جوشانده تا پخته شود و آن را با ۱۲ عدد کشمش صبح ناشتا بخورند.



سر یا ابرو بمالید، ریزش مو را بر طرف می کند.

- یک قطره از شیرآبه سفیدرنگ انجیر را در داخل دندانی که پوسیده و کرم خوردگی دارد بمالید، درد را تسکین می دهد.
- وجود مقدار زیاد فسفر این حقیقت را نشان می دهد که انجیر در پرورش هوش و حافظه بسیار مؤثر است.
- سرشار بودن انجیر از پتاسیم تأمین کننده سلامتی کودکان ضعیف و کم خون و بی اشتها است.
- اگر انجیر و عسل را به طور مساوی با هم مخلوط کنید جهت زخم معده بسیار مفید است.
- انجیر می تواند در بیماران مبتلا به عدم کفاایت کبد و رماتیسم مزمن مؤثر باشد.
- انجیر بهترین غذا برای بیماران عصبی است.
- برای معالجه آبسه دندان و ناراحتی لوزه و گلو انجیر پخته بسیار مفید است. مرهم انجیر پخته شده در سرکه، برای درمان سوزش، خشکی و خشونت زخم ها بسیار مؤثر است.

عارض جانبی انجیر

- انجیر برای مبتلایان به قند مضر است. انجیر برای اشخاص چاق، زیان آور است.
- انجیر برای مبتلایان به اختلال معده و روده مضر است.
- زیاده روی در خوردن انجیر، برای معده و چشم زیان آور است.
- انجیر برای کبدهای ضعیف مناسب نیست و آنهایی که کبد ضعیف دارند، باید انجیر را با چهارمغز بخورند



و سیاه سرفه مفید است.

- جوشانده شاخه نازک درخت انجیر، آبی را که در بافت های بدن جمع شده خارج می کند از این جهت در مورد مرض استسقاء نیز مصرف آن مفید است.
- انجیر بیش از هر میوه ای قند طبیعی دارد و به مقدار قابل توجهی دارای ویتامین های «آ» و «ب» است. اگر انجیر را بپزند و به شکل کمپوت و یا مربا در آورند برای اشخاصی که سوء هاضمه یا پوست دارند مفید است.
- انجیر بواسیر را قطع می کند و برای باد قولنج مفید است.
- انجیر نقرس را معالجه می کند و قوای جنسی را زیاد می کند.
- انجیر بوی بد دهان را از بین می بردو استخوان ها را محکم می کند.
- انجیر میوه ای است بسیار مغذی که هضم آن آسان است و مصرف آن برای بچه ها و اشخاصی که از بستر بیماری برخاسته اند و دوره نقاشه را می گذرانند بسیار مفید است.
- انجیر به علت دارا بودن دانه های ریز، باعث تقویت روده و معده می شود ولی برای کبدهای ضعیف زیان آور است.
- خوردن جوشانده انجیر خشک در تمام التهابات دستگاه تنفس مانند ذات الیه، ذات الجنب، آسم، تنگی نفس، سرماخوردگی های مکرر مفید است.
- غرغره کردن و دهان شویه با جوشانده انجیر خشک، ورم لته، ورم دهان و ورم گلو را درمان می کند.
- اگر خمیر انجیر با آرد جو و گندم را به صورت مرهم، روزی ۲ مرتبه در محل ورم گوش و دمل ها قرار دهند اثر شفابخش دارند.
- برگ تازه انجیر برای التیام جراحات و زخم ها و جوش خوردن سریع زخم های سطحی مؤثر است. می توان برگ تازه را به مدت کمی روی زخم های سطحی گذارد، اگر برگ خشک کرده درخت انجیر را بکوبید و در سرکه بخیسانید و به پوست بدن که پوسته پوسته می شود بمالید اثر شفابخش دارد.
- برگ خشک کرده درخت انجیر را بکوبید و در آب خیس نموده و بر



احمد جاوید کریمی

راه های مقابله با خجالت



کمرویی (خجالت) یک پدیده پیچیده روانی اجتماعی است. کمرویی، یک صفت یا ویژگی ارثی یا ژنتیکی نیست، بلکه اساساً در نتیجه روابط نادرست بین فردی و سازش نایافتنگی های اجتماعی در مراحل اولیه رشد، در خانه و مکتب پدیدار می شود.

با اینکه برخی از روانشناسان بر این عقیده اند که بعضی افراد کمرو متولد می شوند، اما باید توجه داشت که بحث درباره سندرم کمرویی و استعداد بیشتر بعضی از کودکان در ابتلا به کمرویی، به معنای ارثی بودن کمرویی مثل رنگ چشم و پوست نیست. بدیهی است کودکان کمرو عموماً متعلق به والدینی هستند که خودشان کمرویی دارند، لیکن این به آن معنا نیست که این قبیل کودکان کمرویی را از طریق ژن های ناقل از والدین خود به ارت برده اند، بلکه اساساً به این معناست که کمرویی را از آنها یاد گرفته اند.

کمرویی ناشی از ترس

کمرویی ناشی از ترس، عموماً از سال اول زندگی نوزاد مشاهده می شود. مطالعات انجام شده روی نوزادان، حاکی از این است که در اواسط سال اول زندگی (غالباً در شش ماه دوم آن)، کمرویی به عنوان یک پدیده همگانی در همه نوزادان، نسبت به بیگانه ها و افراد آشنا بود که به خاطر تغییر لباس و آرایش ظاهراً متفاوت به نظر می آیند، دیده می شود. به عبارت دیگر در این شرایط اضطراب ناشی از روبه رو شدن با بیگانه ها و ناآشناها، وجود کودک را فرا می گیرد.



کوچه و شهر، در داخل ملی بس، هنگام لباس پوشیدن، غذاخوردن، نگاه کردن، صحبت کردن، راه رفتن و...، سختگیری بیش از حد بر کودکان و نوجوانان و داشتن توقعات زیاد، رفتار خصمانه و عصبی با آنها، تهدیدها و تنبیه ها، تحقیرها و تهدیدهای ناروا یا حمایت های افراطی و غیرضروری از فرزندان، از اصلی ترین زمینه های رشد معیوب اجتماعی کودک و بروز کمرویی به شمار می آیند.

مشاهده دوگانگی و تعارض در رفتار الگوهای بزرگسالان و ایجاد ناهمانگی در مفاهیم اساسی شخصیت کودک، موجب کشمکش های درونی و در نتیجه اختلال در رشد طبیعی می شود، اضطراب شدید و کمرویی کودک را به همراه خواهد داشت. کمرویی در میان فرزندان اول خانواده و تک فرزندها بیش از سایر فرزندان خانواده دیده می شود، به خصوص زمانی که والدین قادر نباشند زمینه تربیت و رشد اجتماعی مطلوب و همانگ ایشان را مطابق با نیازهای عاطفی و اجتماعی آنان فراهم آورند. به طور کلی در بیشتر موارد، فرزندان اول خانواده و تک فرزندها با بزرگ ترها بیشتر همانند سازی می کنند و تمایل ایشان در برقراری ارتباط با بزرگسالان بیش از همسالان شان است.

مکتب به عنوان اولین جایگاه رسمی تجربه اجتماعی کودکان، می تواند نقش تعیین کننده ای در تقویت کمرویی یا پرورش مهارت های اجتماعی آنان ایفا کند. متساقنه در بسیاری از موارد، کمرویی کودکان در محیط مکتب و فضای صنف درسی تقویت می گردد و چنین رفتار ناخشایندی در شخصیت کودک ثابت می شود. در غالب موارد، مسوولین مکتب رفتار انفعالی و آرام و سکوت مضطربانه کودک یا کودکان کمرو و ناتوان را به عنوان یک صفت پستنده و ویژگی رفتاری مطلوب تلقی می کنند، بعضاً با تایید و تشویق های خود، به طور مستقیم و غیرمستقیم سعی می کنند آن را تقویت کنند. واقعاً جای بسی تعجب و تاسف است که در بسیاری از مکاتب شاگردان کمرو بالاترین نمره تهدیب را دریافت می کنند.

در حقیقت کودک خردسال، از این رو کمروست که مردم برایش ناآشنا هستند، از او بزرگ تر، قوی تر، قدرتمندتر و مقتدرترند و کودک نمی داند که در شرایط گوناگون چگونه با وی برخورد خواهند کرد. بعد از شش ماهگی، کودکان خردسال به تدریج به لحاظ رشد ذهنی و عاطفی، می توانند افراد آشنا را از دیگران تشخیص دهند. همراه با افزایش دامنه ارتباطات کودک با دیگران، کم کم بر تجارب خوشایند و دوست داشتنی وی افزوده می شود و کودک از ارتباط و همتشینی با دیگران به خصوص آشنايان لذت می برد، ترسش فرو می ریزد و این حالت مقدمه لازم و مطلوبی برای اجتماعی تر شدن کودک است.

خانواده و فرزندان کمرو

در بررسی علل کمرویی به طور مشخص باید به شرایط و عوامل خانوادگی، ویژگی های شخصی و شخصیتی، نظام باورها و رفتارهای فردی و موقعیت های روانی و اجتماعی اشاره کرد. محیط خانواده و تجارب اولیه کودک به خصوص در ایام قبل از شش سالگی و سال های آغازین مکتب، اصلی ترین نقش را در شکل گیری شخصیت کودک دارد. در این دوران الگوهای رفتاری بزرگسال، برنامه های تلویزیونی، نحوه و میزان ارتباطات عاطفی، کلامی و اجتماعی خردسالان با والدین و بزرگسالان خانواده بیشترین تاثیر را در رشد مطلوب اجتماعی یا به وجود آمدن اضطراب و کمرویی کودکان می تواند داشته باشد.

زمانی که الگوهای بزرگسال مثل والدین، خودشان عموماً مضطرب بوده، از مهارت برقراری روابط عاطفی اجتماعی مطلوب و خوشایند با دیگران، به ویژه با فرزندان خود بی بهره باشند، بدون شک طبیعی است که فرزندان این خانواده نیز بیاموزند که کمرو باشند. به همین دلیل بعضی از روانشناسان کمرویی کودکان را در نتیجه یادگیری و تقویت آن در خانه و مکتب می دانند. کمال جویی و آرمانگرایی فوق العاده والدین و انتظارات نامعقول آنان از فرزندان در شرایط گوناگون و وادار کردن آنها به رفتارهای کلیشه ای و قالبی و عکس العمل های تصنیعی در موقعیت های مختلف اجتماعی، (در حضور میهمانان، هنگام میهمانی رفتن، حضور در مجالس جشن و مراسم عمومی، در

سویفت (SWIFT)

غضنفر بانک یکی از بانکهای برجسته کشور و عضوکمیته سویفت می باشد که خدمات و امکانات مصون و با اعتبار ذیل را پیرامون ارسال و دریافت پول به سراسر جهان در برابر بهای مناسب برای مشتریان خویش عرضه می دارد.



ارسال و دریافت پول

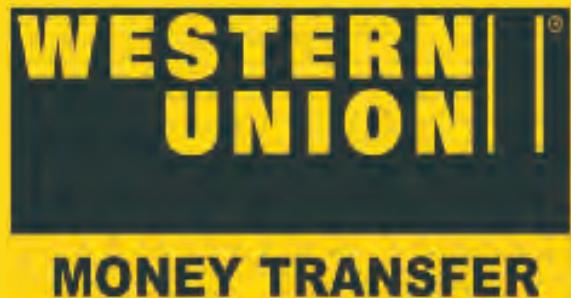
ارایه لیترآف کریدت

ارایه گرنتمانی های بانکی

دریافت چک های خارجی

انتقال مصون و سریع پول از طریق
سویفت در غضنفر بانک

ویسترن یونین (Western Union)



امکانات انتقال پول به داخل و خارج از کشور از طریق ویسترن یونین برای مشتریان غضنفر بانک مهیا می باشد. بنا بر این در تمام نمایندگی های غضنفر بانک برای انجام این سهولت غرفه های ویژه اختصاص یافته و با انجام خدمات قناعت بخش و مطمین در خدمت مشتریان خویش قرار دارد.

غضنفر بانک از طریق ویسترن یونین
در امر انتقال پول به شما اطمینان می دهد

شعبه مرکزی

-۷۷۵ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۰۷۹۷ ۸۶۰۰۳

۵۵۹۸، سرک اصلی شیرپور، کابل؛ صندوق پستی:

mainbranch@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



۱۴۰۰

کمک های زمستانی بنیاد غضنفر

به ایتمام و بیوه زنان نواحی مختلف شهر کابل



غضنفر قرار گرفت. این کمک ها که جماعت مبلغ ۲۰۰۰۰ دلار امریکایی ارزش داشت، توسط پوهنمل دکتور حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان به کارمندان مستحق و بی بضاعت این وزارت اهداء گردید. همچنان بخشی از این کمک ها که مشتمل بر برنج، روغن و ذغال بود، از طریق وزارت امور زنان به بیجا شدگان، ایتمام، معلولین و خانواده های بی بضاعت منطقه دیوان بیگی توزیع گردید.

بر اساس تصمیم هیأت رهبری بنیاد غضنفر، مبنی بر حمایت از ایتمام و بینوایان به ویژه در فصل سرمای زمستان، در تاریخ ۲۳ دلو ۱۳۹۰ خورشیدی، سیزده خانواده یتیم، معلول و بی بضاعت در منطقه چمندی چهار قلعه شهر کابل، چهارده خانواده در منطقه زمین آباد پل چرخی، چهارده خانواده در منطقه کمپنی، پانزده خانواده در منطقه اونچی باغبانان دشت برچی، پانزده خانواده در منطقه ده دانا، پانزده خانواده در منطقه ده خدایداد و چهارده خانواده یتیم، معلول و بی بضاعت در منطقه پروژه خراسان واقع خیرخانه شهر کابل تحت پوشش کمک های بنیاد غضنفر قرار گرفتند.

نخست تیم سه نفری بنیاد غضنفر این خانواده ها را به کمک امام مسجد و متنفذین منطقه شناسایی نموده و به هر خانواده یک بوری آرد، یک قوطی روغن، یک سیر برنج و بیست سیر چوب که قیمت مجموعی این کمک ها مبلغ سه صد و پنجاه و هفت هزار و هشتصد (۳۵۷۸۰۰) افغانی می شود، اهدا گردید.

همچنان کارکنان مرکز تعلیمی زنان افغان و بیجا شده گان منطقه دیوان بیگی در تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۹۰ خورشیدی تحت پوشش بنیاد





ترجمه محمد امین ادبی

مولوی و مذهب عشق

وصال مجدد محبوب است. از دیدگاه مولانا حس پریشانی همواره در ژرفای روح آدمی حضور دارد و روح ما در این جهان هرگز آرام نخواهد بود؛ چه، همواره نوعی «درد فراق» را تجربه می کند. از این رو، شکایت نی، آوای غمانگیز روح ماست وقتی به یاد منزلگه راستین و گذشته های خوشش می افتد.

از نظرگاه مولانا زندگی غیر اصیل، یعنی زندگی آمیخته با فراق، سرشار از دو حس قویست: تشویش و ملالت. دلیل اش ساده است: هنگامی که قطره روح انسان دیگر بخشی از آن دریا نباشد در معرض نیستی قرار می گیرد. یک قطره تنها در مقابل تابش آفتاب به طرفه العینی بخار و با وزش باد، در اندک لحظه ای خشک می شود.

متنوی، شاهکار مولوی، با حکایت یک نی آغاز می شود. نی ای که تا حدی نماد روح آدمیست و نوای غمبار آن طینین دردیست پنهان، در دل هر انسان دورمانده از اصل خویش. مولانا وجه تراژید زیست آدمی در این جهان را «فرقان» می داند. ما همه روزگاری جزیی از «دریای مستور امر الوحی» بوده ایم؛ اما اکنون قطره کوچک وجود ما دور از آن دریا در بیابان این جهان وهم آلود افتاده است. از نظر مولوی زندگی اصیل، آن است که متصل به امر الوحی باشد؛ از این رو زندگی ما تا زمانی که «جدا از اصل خویش» است، اصیل نیست.

نوای نی به طرز سورانگیز غمبار است. چون از «جدایی ها شکایت می کند» و سورانگیز است، چون شرح اشتیاق عمیق به





معشوق می‌پرسد: "کیست که در می‌زند؟" عاشق این‌بار می‌گوید: تو! "گفت بر در هم توبی ای دلستان." و این‌جاست که معشوق در را می‌گشاید و می‌گوید: "دو «من» در این سرا نمی‌گنجند. حال که تو، من شده‌ای و از آن «من تو» چیزی نمانده، می‌توانی بیایی: "پیام مولانا روشن است: اگر خواهان وصال معشوق هستی، باید از «خود» ات رها شوی.

این «خود»، برای مولوی همان وجود از خدا جدا شده آدمیست و دو ویژگی مهم دارد: نخست آن که این «خود» از منظر اخلاقی منشأ خودخواهی و خودپرستی است. شخصی که وجودش پیرامون خودش می‌تند تنها به دنبال منفعت شخصیست و کمتر بهایی برای دیگران قائل است. ویژگی دوم و مهم‌تر این که این «خود» خودش را در مقابل «دیگران» تعریف می‌کند. بنابراین «خود» از جنس مرز است؛ حدیست که خویشن را از وجودهای دیگر تمیز می‌دهد. حد و مرز، دوری و فاصله می‌آفرینند و آینه‌ها «خود» را از مرتبه وحدت به مرتبه فراق تنزل می‌دهند. به همین دلیل است که مولوی این «خود» را اُمّ الخبائث می‌نامد و آن را منشأ اصلی تشویش و ملالت می‌شمارد.

پس چگونه می‌توان این «خود» خودخواه محدود کننده را درمان کرد؟ روح ما چطور می‌تواند شکوفا شود؟ یا به بیان دقیقتر، چگونه می‌توان حد و مرز «خود» را تغییر داد؟ خوب است اشاره شود به طور کلی تغییر حدود و مرزهای «خود» یکی از اهداف دین‌ورزیست: به عنوان مثال در وداتای هندی هدف دین‌ورزی فراخ کردن «خویشن خویش» آدمیست تا آن‌جایی که تمام موجودات را در بر بگیرد، در آینین بودا هدف محظوظ کردن این خود است و در ادیان الهی هدف یکی شدن با امر الوحیست.

از دیدگاه مولوی تنها راه چنین تغییر و تبدیلی، راه عشق است. مولوی عشق را "طیب جمله علت‌های ما" می‌نامد و مهم‌تر از آن، «عشق» را علاج خودبینی و تکبر، که در نگاه او منشأ تمام بدی‌ها هستند، می‌داند. او قویاً ما را به عاشق شدن ترغیب می‌کند:

زندگی فراق آمیز هم، همواره در آستانه نابودیست و همین تهدید همیشگی منشأ تشویش آدمیست. از سوی دیگر حکایت زندگی آمیخته با فراق آدمی، به تعبیر مولانا، مانند حکایت شاهزاده‌ایست که به زندگی در قصری فراخ عادت داشته و اکنون محاکوم به زندگی در زندانی کوچک و بسیار تاریک است که حتی پنجره‌ای هم ندارد. او زمانی که در قصر می‌زیسته همیشه چیز جدیدی برای کشف کردن داشته است: بی‌کرانگی آسمان، جلوه رنگرنگ غروب و افق بی‌پایان دریا؛ دیگر چه جایی برای ملالت؟ اما اکنون که میان دیوارهای سرد و بی‌منظره محبوس شده، هیچ اتفاق تازه و روح‌بخشی رخ نمی‌دهد و این‌گونه است که او عمیقاً ملوں می‌شود. قطره تا هنگامی که با دریا بود، نامحدود و بی‌کرانه بود، اما اکنون که جدا افتاده، در فردیت محدود خودش اسیر شده است. منشأ ملالت «متناهی بودن» است، محصور شدن در کرانهای گریزان‌پذیر.

از نظر مولوی آدمی برای غلبه حقیقی بر درد تشویش و ملالت در زندگی اش تنها یک راه دارد: رسیدن به زندگی اصیل، پیدا کردن راهی به سوی آن منزل ازلی و دوباره به دریا پیوستن؛ چنین سفریست که آرامش و شادی حقیقی را برای روح ما به ارمغان می‌آورد. اما کدامین راه به سوی آن دریا می‌رود؟ روح آدمی چگونه می‌تواند روزگار وصل خویش را باز جوید؟ مولوی اعتقاد دارد تا هنگامی که مهم‌ترین مانع چنین بازگشتی را نشناخته‌ایم نمی‌توانیم به این سوال پاسخ دهیم. اما به راستی چیست که از اتحاد دوباره ما با آن دریا و غلبه بر فراق جلوگیری می‌کند؟ پاسخ مولانا ساده و روشن است: مانع، «خود» آدمیست، «خویشن» آدمی. مولوی برای ما داستان عاشقی را تعریف می‌کند که به سراغ معشوقش می‌رود و در خانه‌ی محبوش را می‌کوبد. معشوق از پشت در می‌پرسد که چه کسی پشت در است؟ عاشق جواب می‌دهد: "من". معشوق با ناامیدی چنین می‌گوید: "دور شو. هنوز زمان مناسب نرسیده است. این‌جا برای چنین شخص خامی جا نیست." پس از سالی فراق، عاشق بازمی‌گردد و با ترس و لرز در خانه معشوق را می‌کوبد.



ندارد؛ اما، مشاهده امر بی‌نهایت کاملاً به حضور هر دو آئینه وابسته است. به بیان دیگر در تمثیل پل، عشق زمینی تنها ارزش وسیله‌ای دارد و هنگامی که آدمی به خدا رسید، معشوق به کلی بی‌اهمیت می‌شود؛ اما در تمثیل آئینه، عشق زمینی ذاتاً ارزش‌مند است، چرا که امر قدسی تنها از دریچه وجود معشوق قابل درک است. خداوند در فضای میان دو انسان جلوه می‌کند و همان‌طور که بسیاری از عرفای مسلمان ادعا کردند: راه رسیدن به خدا از گذرگاه شفقت بر خلق می‌گذرد.

از این رو، عشق، نه تنها آموزگار بزرگ نوع‌دوستی و دیگردوستی است، بلکه مرزهای «خود» آدمی را جابجا می‌کند و به او فرصت منحصر به فردی برای تجربه امر قدسی از دریچه وجود معشوق اعطا می‌کند.

به همین دلیل است که مولوی از ما دعوت می‌کند خودمان را وقف «عشق ورزیدن نسبت به خدا (ج)» کنیم. برای مولانا «عشق» به معنای نفی دین نیست، بلکه مرتبه بالاتری از معنویت است. دین اسلام مرکز جهان معنویت است و رستگاری تنها از راه اسلام امکان‌پذیر است. ایده عشق ورزیدن به خدا عمیقاً ریشه در تجربه شخصی مولوی از عشق دارد. خصوصاً بعد از ملاقات با شمس، این ایده عمیق تر شد، تجربه شخصی مولانا از عشق نقطه عطفی در خداشناسی او بود، زیرا خداوند (ج) مرکز جهان معنویت است، به همین دلیل است که مولانا خودش را پیرو مذهب عشق می‌نامد:

دین من از عشق زنده بودن است
زنگی زین جان و تن ننگ من است

ملت عشق از همه دین‌ها جداست
عاشقان را ملت و مذهب خداست

عمر که بی‌عشق رفت، هیچ حسابش مگیر آب حیات است عشق، در دل و جانش پریر اما چرا عشق "طیب جمله علل‌های ما" است؟ از نظر مولانا قدرت جادوی عشق، توانایی آن در تغییر حدود و مرزهای «خود» است. از دیدگاه او گوهر عشق «قربانی شدن» و جان‌بازی است. عاشق حقیقی کسیست که پای کوبان جان بر معشوق می‌افشاند. انسان به محض آن که عشق را تجربه کند شیوه زیستن‌اش به کلی دگرگون می‌شود. آدمی قبل از این که عاشق شود، دانسته یا ندانسته، خودش را مرکز جهان می‌پندارد، اما به محض این که عاشق می‌شود ساختار «خود» اش متتحول می‌شود. برای تشکیل پیوند عشق، باید در مقابل دیگری گشاده بود و در صورت لزوم خود را برای محبوب فدا نمود. و همین گشايش و گشودگی مرزهای «خود» آدمی را دگرگون می‌کند و مرکز وجود آدمی را از «خود» به «مشهوق» تغییر می‌دهد. مولوی گاهی اوقات این تغییر را "مرگ پیش از مرگ" یا "مرگ در نور" می‌نامد. از راه عشق است که انسان مجال گستن از خود و پیوستن به معشوق را می‌یابد.

بیش‌تر عرفای مسلمان، از جمله مولوی، عشق زمینی را پلی به سوی عشق الهی دانسته‌اند. از دیدگاه اینان تجربه یک عشق زمینی واقعی روح آدمی را آماده چهش‌های بلندتر و عشق‌ورزی مستقیم به خداوند می‌کند. با این حال مولانا گاهی اوقات از تمثیل دیگری استفاده می‌کند که فهم متفاوت او از رابطه عشق زمینی و عشق الهی را نشان می‌دهد. مولوی مدعی است آدمی برای ادراک روح جهان، که همانا خداوند است، به دو آئینه نیاز دارد: قلب خویش و قلب معشوق خویش. عاشق آئینه خود را در برابر آئینه معشوق قرار می‌دهد و به محض برقراری پیوند عشق این دو آئینه یکدیگر را تا بی‌نهایت بازمی‌تابانند. بی‌نهایت، در فضای میان دو آئینه جلوه می‌کند.

تفاوت تمثیل آئینه و تمثیل پل مهم است: آدمی هنگامی که از پل می‌گذرد و به سوی دیگر قدم می‌گذارد دیگر نیازی به پل



نیستان ۰۰ ویژه شعر و ادب

صبدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت
ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
گل بخندید که از راست نرنجیم ولی
هیچ عاشق سخن سخت به متعشو نگفت
گر طمع داری از آن جام مرصع می لعل
ای بسا در که به نوک مژهات باید سفت
تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد
هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت
در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا
زلف سنبل به نسیم سحری می آشافت
گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو
گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت
سخن عشق نه آن است که آید به زبان
ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت
اشک حافظ خرد و صبر به دریا انداخت
چه کند سوز غم عشق نیارست نهفت

حافظ

چون است حال بُستان ای باد نوبهاری
کز بلبلان برآمد فریاد بی قراری
ای گنج نوش دارو، بر خستگان نگه کن
مرهم به دست و ما را مجرح می گذاری؟
هر ساعت از لطافت، رویت عرق بر آرد
چون بر شکوفه و گل، باران نو بهاری

سعدي

بیا بیا که نسیم بهار می گذرد
بیا که گل ز رُخت شرمصار می گذرد
بیا که وقت بهار است و موسم شادی
مدار منتظرم، وقت کار می گذرد
ز راه لطف، به صحراء خرام یک نفسی
که عیش تازه کنم، چون بهار می گذرد

عرابی

دور از رخت سرای درد است خانه ی من
خورشید من کجایی سرد است خانه ی من
دیدم تو را ز شادی از آسمان گذشتم
جانان من چو گشتی دیگر ز جان گذشتم
آخر خودت گواهی: من از جهان گذشتم
بی تو کنون سرای درد است خانه ی من

خورشیدی من کجایی
سرد است خانه ی من

من دردمند عشقم درمان من تویی، تو
من پای بند صدقم، پیمان من تویی، تو
امید من تویی، تو، ایمان من تویی، تو
دور از رخت سرای سرد است خانه ی من

خورشید من کجایی
سرد است خانه من

غیر از تو من به دنیا یار دیگر ندارم
جز از خیال عشقت فکری به سر ندارم
سر می دهم ولیکن دست از تو بر ندارم
دور از رخت سرای سرد است خانه ی من

خورشیدی من کجایی
سرد است خانه من

لاهوتی



د شمعې په خېر سوحو له خپل خانه سره خو
که وصل که هجران وي د جانانه سره خو
د تورو په حساب دي ورکې لاري د تردمو
منزل چاته معلوم دی د اسمانه سره خو
تش نوم د ساحل اورو یو تصویر د بېرى وینو
په خاخکو په گامونو له توانه سره خو
سېراب بې نکړي شوندې سل ګلونو سرابونو
له چغو سره راغلو لانه ارمانه سره خو
شبنم غوندې مو لاري له ګلونو شولې ورکې
د اوښکو په زولی کې له ګربوانيه سره خو
د غله دیدن شبې بې لکه خوب هسبې پناه شوې
په نیمه شې کې راغلو د اذانه سره خو
تونبه مو په تندی کې د صنم سجدې اخیستې
احرام ترو پر لاري له مغانه سره خو
 Zahende په تیارو کې د تسوپو غironه اورم
کوثر ته دې روان کړو له شیطانه سره خو
قصاصده زما سلام دی په ټولی د رقیابو
مونږ داسې مبلمانه یو د مېزبانه سره خو
اغاز دی که انجام دی راز په سل پردو کې نغښتی
هونبیار که لپونی یو د زندانه سره خو
د ژوند په راز پوه نه شو (جهانی) سبا به نه یو
یو خو بې نومه سیوري له کاروانه سره خو

عبدالباري جهانی

ګله تا نه که شوم هېر ګلونه ګورم
ستا په یاد کې بلا ډېر ګلونه ګورم

موسمونو ستا رنګونه دې غلا کړي
په هر لوري ستا په خېر ګلونه ګورم

د کابل د مېلمنو نرګسو وار دی
ته وا تل به د کستېر ګلونه ګورم

د ګلونو بغدادی سیپارې لولم
شد په پېښ په زور په زېر ګلونه ګورم

چې شملو ته تلى شي پښې په اغزو بدی شي
پښتانه له سره تېر ګلونه ګورم

چې ګلپوش مې کړي د ژوند د شهید قبر
پسلو سره بې شمېر ګلونه ګورم

نه چې تل به د ګلاب جامونه خښمه
تېرې زړه ته د ګنډېر ګلونه ګورم

د غاتولو لاروي را ټولومه
مست کاروان یمه چا پېر ګلونه ګورم

پير محمد کاروان



جمله های طلایی

گردآورنده: مرسل

قسمت هجدهم

گاهی یک جمله می تواند انسان را دگر گون سازد.

باور ندارید؟ امتحان کنید.

به قول شمس تبریزی:

کسی یک سخن شنید و در همه عمر،

از آن سوخت

جان من فدای او باد!

آن کس که شهامت انجام کارهای شایسته دارد، انسان است. (ولیام شکسپیر)

آدمی به سیرت است نه به صورت، انسانیت به کمال است نه به جمال (جان اشتانبک)

اگر می خواهی خوش بخت باشی برای خوشبختی دیگران بکوش. (بتهوفن)

صلاح ناحق بهتر از جنگ حق است. (میکل آنژ)

اگر بر ناتوان خشمگین شوی دلیل بر اینست که قوی نیستی. (ولتر)

سخاوت در زیاد دادن نیست، در به موقع دادن است. (ابرویر)

فقیر قانع بهتر از ثروتمند حریص است. (ولیام شکسپیر)

اگر عدالت از روی زمین محو شود، زندگی به زحمتش نمی ارزد. (اماونئل)

با مصلحت دیگران ازدواج کردن، در جهنم زیستن است. (آرتوور شوپنهاور)

دوستی مثل اسناد کهنه است، قدمت تاریخش آن را بالارزش می کند. (یوهان ولفگانگ گوته)

آخرین درجه فساد، به کار گرفتن قوانین برای ستم کاری است. (ولتر)

دوستانی که نتوانند از گناهان کوچک یکدیگر چشم پوشی کنند، ت Xiaoahend توانست دوستی خود را به جایی برسانند. (ابرویر)

در دنیا تنها کسی موفق می شود که به انتظار دیگران نتشینند و همه چیز را از خود بخواهد. (شیلر)

اندیشه و تخیل انسان را به سوی کمال می برد. (ناشناس)

جنگ، آفریده‌ی ذهن انسان است. ذهن انسان می تواند آرامش را بیافریند. (نورمن کازنز)

به خلاقیت کاربردی، به جای اطاعت کورکورانه پاداش دهید. (ناشناس)

تجربه بالاتر از علم است. (ابن سینا)



- اراده های ضعیف همواره به صورت حرف و گفتار خودنمایی می کنند، لیکن اراده های قوی جز در لباس عمل و کردار ظهرور نمی یابند (گوستاولوبون)
- بدترین غمها شک و تردید است. (الکساندر دوما)
- عاقل ترین فرد کسی است که قدر زمان را می داند. (گوته)
- اگر هر نسلی با عشق و احترام نسبت به کودکان رفتار کند، به آنها آزادی بدهد تا رشد کنند، امکان ندارد شکاف بین نسلی ایجاد شود. (اشو)
- شکست، تنها زمانی رخ می دهد که تلاشی در کار نباشد. (ای.هابارد)
- زن اخترات بزرگ نکرده ولی مختربان بزرگی را در دامان خود پرورش داده است. (ادیسون)
- بهترین چراغ زنده گی نور امید است. اگر کسی امید نداشته باشد زنده گی برای او ارزش ندارد. (شکسپیر)
- هر چه به دل هست ز پاک و پلید - در سخن آید اثر آن پدید. (جامی)
- تعصب چشم های بینا را نابینا و گوشاهای شنوا را نا شنوا می سازد. (ابوریحان بیرونی)
- کسی که در نبرد زندگی می خنده، قابل ستایش است. (برنارد شاو)
- اگر زندگی را آسان بگیری، عمرت به خوشی خواهد گذشت. (عزیز نسین)
- ما همیشه، خوشبختی را در محیط بیرون جستجو می کنیم، در حالی که خوشبختی، فقط در وجود خود ما یافت می شود. (فیشاگورث)
- آن روزی که در آن، یک بار نخندیدهای، کاملاً بر باد رفته است. (چمفورت)
- هر قدر می توانی شاد زندگی کن و هرگز فکر بیهوده به مغزت راه نده؛ چون سلامتی ات به خطر می افتد. (چارلز دیکنز)
- سعادتمند، کسی است که به مشکلات و سختی های زندگی لبخند بزند. (شکسپیر)
- خوشبخت ترین مردم، کسی است که خوشبختی را در خانه خود جستجو کند. (گوته)
- کسی که اراده استوار دارد، جهان را مطابق میل خود عوض می کند. (گوته)
- اگر نمی خواهی در حق تو داوری شود، درباره دیگران داوری نکن. (آبراهام لینکلن)
- درجه سعادت اشخاص بستگی به اراده و میل خود آنها دارد. (آبراهام لینکلن)
- با زور، برخی زمانها می شود به هدف رسید، ولی با مهریانی، همیشه. (آتور کافمن)
- کارنه فقط هزینه زندگی را تأمین می کند، بلکه زندگی کردن را هم به انسان می آموزد. (هنری فورد)
- شجاعت مانند عشق از امید تغذیه می کند. (بنیاپارت)
- کسی که کوچکترین قسمت رازی را فاش کند بقیه آبرا هم نمی تواند حفظ کند. (ریشرتر)
- شاید در کوتاه مدت بدگویان به هدف خود نزدیک شوند اما در بلند مدت رسوای جهانند. (ارد بزرگ)
- مردانگی تنها به مرد بودن نیست؛ به همت و گذشت است. (هگل)
- مشکل دنیا این است که احمق ها کاملاً از خود یقین دارند و آنها بی که داناترند، سرشار از شک و تردیدند. (برتراندراسل)
- در میان دو نفر دشمنی می فکن، که ایشان چون صلح کنند تو در میانه شرمسار باشی. (سعدی)
- دیروز را فراموش کنید، امروز کار کنید، به فردا امیدوار باشید. (کانت)
- انسان های قانع و خالی از حرص و آز هرگز دربند نخواهند بود. (بودا)



با نکداری از طریق انترنت



غذنفر بانک در کامپیووتر شما

- از این طریق ID های خویش را بررسی نمایند.
- تمام صورت حساب خویش را به صورت مفصل در صفحه کامپیووتر ملاحظه فرمایند.
- از وضعیت چک های خویش که آیا تا دیه گردیده و یا خیر، آگاهی کسب نمایند.

شعبه مرکزی

۰۷۹۷ ۰۷۸۶ ۰۷۸۵ ۰۷۸۴ ۰۷۸۳ ۰۷۷۵ ۰۷۸۶ ۰۷۸۵ ۰۷۹۸ ۰۷۸۶ ۰۷۹۷

۰۸۶۶ سرک اصلی شیربور، کابل؛ صندوق پستی: ۵۵۹۸

mainbranch@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



زنان سخنور

عایشه درانی شاعر داغدیده کشور

نجاتم ده زغم های زمانه - به لطف خویش ای شاه یگانه
چه گوییم از فضای آسمانی - فتادم در محیط بی کرانه

سرانجام این مادر داغدیده روز پنجم شنبه تاریخ ۲۶ ربیع سال ۱۲۳۲ قمری در قریه اونچی چهار دهی کابل به دیار حق پیوست. گرچه تاریخ دقیق تولد این شاعر گرانمایه و مادر داغدیده معلوم نیست. مگردانشمندان عمر او را از ورای اشعارش حدود ۹۶ سال تخمین کرده اند. عایشه پس از شهادت پسر جوانش دیوان خویش را تکمیل نمود و به امر امیر عبدالرحمن خان در مطبعه سلطنتی به چاپ رسید. در حال حاضر یک مکتب دخترانه در کابل به نام او مسمی است.

نمونه اشعار عایشه درانی:

حالتی عجیب دارم خویش را نمیدانم
کیستم کجا بودم در تفکر حیرانیم
گه مست و مدهوشم گه ز سر رود هوشیم
گه به بزم عاشقان گه چو گل پریشانم
گه چو صبح نورانی گاه چو شام ظلمانی
گه به تخت سلطانی گه فقیر و حیرانم
گه روم به میخانه گه روم به بت خانه
گه روم سوی مسجد گه به ذکر قرانم
گه عشق میورزم گه چو شمع میسوزم
گه به مجلس رندان گه چو ابر نیسانم
گه شوم چو دیوانه گه شوم چو فرزانه
گه چو ابر گریانم گه چو غنچه خندانم
گه دلیل افلاطون گهی میشوم مجانون
گه پی شفای خویش گاه به ترک درمانم
گاه روم سوی صحراء گه نشسته ام تنها
گه چون عاشق مجانون گه به سلک زندانم
گه به حیرت (عایشه) گه به فکر و اندیشه
گه زغم جگر ریشم گه ز خود گریزانم

عایشه بنت یعقوب علی خان بارکزی شاعر بزرگ کشور در نیمه دوم قرن دوازدهم در شهر کابل به دنیا آمد. بعد از فراگیری دروس ابتدایی علوم صرف، نحو، معانی، بیان، تجوید و ادبیات را در محله بی که به نام (توپیچی ها) شهرت داشت فرا گرفت. عایشه درسن هجده سالگی با عبدالصمد خان درانی ازدواج کرد و به عمر بیست سالگی شروع به سرودن شعر نمود. طوریکه روایت شده است اولین شعر خود را در حضور تیمور شاه درانی در تعریف افق گلفام گفتہ است. تیمور شاه از قریحه شعری او حمایت نمود. انعام و بخشش های زیادی به او تقدیم کرد و مقام بلندی برای او اعطای نمود.

شفق را لاله گون دیدم نماز شام در گردون
مگر خورشید را کشته که دارد دامن پرخون

از بخش اول دیوان خطی عایشه درانی به خوبی محسوس می گردد که وی از حیات خود خشنود بوده و رضایت کامل داشته، اما روزگار ضربه سختی بر او نواخته و تمام خوشی های او را سلب کرده است. زیرا فرزند دلبندش «فیض طلب» در دوره دوم پادشاهی محمود خان سیوزی در سال ۱۲۲۷ قمری درجنگ کشمیر به عمر ۲۵ سالگی کشته شد. مرگ پسر جوانش عایشه را گوشه نشین کرد و تا ختم حیات، اشعار فراوان درسوگ فرزندش سرود.



حکایات



جوانمردی ازیابانی می گذشت، از مسافتی دور فردی را دید نقش بر زمین و خواهان کمک. با سرعت تمام به سوی او شتافت. مسافری بود تشنه و گرسنه، در حال جان کندن. از اسب پایین آمد، مشک آب را بر لب های خشکیده او گذاشت. آنقدر آبش داد تا سیراب شد.

مسافر جانی دوباره گرفت و رمقی تازه پیدا کرد. اما به جای آن که شکوفه های مهر و عاطفه را تقدیم منجی خویش کند، تیغ بر او کشید و تا می توانست از نامردی و قساوت دریغ نکرد.

آنگاه پیکر مجروح و زخم خورده او را در آن بیابان برهوت رها کرد، سوار اسب او شد که برود... جوانمرد که هنوز نیمه جانی در بدنش بود، با اشاره او را صدا کرد و گفت: از کاری که کردی در هیچ مجلسی سخن مگو! مرد از سر شگفتی علت این امر را جویا شد.

او پاسخ دادو گفت: تو اکنون یک جوانمرد را کشتبی. اما اگر بیان این موضوع نقل مجالس شود، فتوت و جوانمردی کشته خواهد شد. آنگاه هیچ مرد رسیدی را نخواهی یافت که در بیابان دست افتداده ای را بگیرد.

روزی دو بازرگان حساب های خویش را تصویبه می کردند.

در پایان، یکی از آن دو به دیگری گفت: طبق حسابی که کردیم من یک دینار از شما باقی هستم.

بازرگان دیگر گفت: اشتباه می کنی! تو یک و نیم دینار از من باقی هستی؟ آن دو بر سر نیم دینار با هم اختلاف پیدا کردند و تا ظهر برای حل آن با هم گفتگو کردند اما باز هم اختلاف، سر جایش ماند.

هر دو بازرگان از دست هم خشمگین شدند و با سر و صدا تا غروب آفتاب با هم در گیر بودند. سر انجام بازرگان اولی خسته شد و گفت: بسیار خوب! تو درست می گویی! یک روز وقت ما به خاطر نیم دینار به هدر رفت.

سپس یک و نیم دینار به بازرگان دوم داد. بازرگان دوم پول را گرفت و به سمت خانه اش به راه افتاد.

شاگرد بازرگان اولی پشت سر بازرگان دوم دوید و خودش را به او رساند و گفت: آقا انعام من چی شد؟ بازرگان، پنج دینار به شاگرد همکارش انعام داد. شاگرد پنج دینار انعام بازرگان دوم را به اربابش نشان داد.

آن مرد خیلی تعجب کرد و در بی همکارش دوید و وقتی به او رسید با حیرت از او پرسید: آخر تو که به خاطر نیم دینار این همه بحث و سر و صدا کردی، چگونه به شاگرد من انعام دادی؟! بازرگان دومی پاسخ داد: تعجب نکن دوست من، اگر کسی در وقت معامله نیم دینار زیان کند در واقع به اندازه نیمی از عمرش زیان کرده است چون شرط تجارت و بازرگانی حکم می کند که هیچ مبلغی را نباید نادیده گرفت و همه چیز را باید به حساب آورد، اما اگر کسی در موقع بخشش و کمک به دیگران گرفتار بی انصافی و مال پرستی شود و از کمک کردن خود داری کند نشان داده که خسیس است.

پس من نه می خواهم به اندازه نیمی از عمرم زیان کنم و نه حاضرم خسیس باشم.



چهیل گران

واژه های جهانگرد

شاعر معروف اوایل قرن بیستم الکساندر بلوک، در یکی از اشعارش چنین می نویسد: "من جهان را فراوان سیاحت نمودم سرانجام وقتی از سفر برگشتم، مرا نشناختند".

از سوی دیگر زنده گی اجتماعی انسان ها چه در جوامع قدیم و چه در جامعه جهانی امروز، موجب تأثیر زبان و فرهنگ آنان بر یکدیگر شده است. ورود الفاظ بیگانه در هر زبان یکی از نتایج این تأثیرگذاری است.

بنابراین در مورد واژه های جهانگرد ترکی، نیز می توان گفت که بسیاری از واژه های اصیل و ناب زبان ترکی از زمانهای قدیم به این سو در زبانهای مختلف جهان استفاده شده است؛ به گونه که امروزه این واژه گان مسافر جزء فرهنگ گفتاری و نوشتاری آن مردم شده است. از آنجایی که زبان هر قبیله همچون فرهنگ آیین شان معرف روش زنده گی و شاخصه های فکری آنان است، از آنجایی که هر واژه ای بار معنای مخصوص به خود را در رابطه با فرهنگ و آیین همان مردم دارد؛ با اندک دقیق وجود این گونه الفاظ و واژه گان در حوزه زبان و فرهنگ بیگانه، به روشنی تمام احساس می شود. چونکه علاوه بر تغییر شکل و صورت واژه گان، سیاق جملات وارد مفهوم کلی از آن، نمی تواند مفهوم وضعی این واژه گان را افاده نماید، چنانکه گویا متکلم چیزی می خواهد و آن چیزی دیگر.

چنین است که وقتی اینگونه واژه ها در وطن خویش بر می گردد تا مدتی زیادی با خانواده خود احساس بیگانگی می کند

همانطور که زیبایی طبیعی معلول رنگ ها و تنوع است، بدون شک این واقعیت در جوامع انسانی هم قابل تعمیم ومثال است. مردم افغانستان، متشكل از قوم، زبانها و فرهنگ های مختلف از دیرزمانی چه به نام خراسان بزرگ یا افغانستان فعلی با رسم و عنونات متنوع با هم زنده گی کرده اند و این مسأله زیبایی و غنامندی فرهنگ و هنر این مردم را دوچندان نموده است. ارتباط ها و تعاملات فکری، هنری، اقتصادی و فرهنگی میان اقوام افغانستان، سبب در هم تنیده گی زبانی و فرهنگی میان اقوام این سرزمین شده است.

براین مبنا اگر گاهی از تداخل واژه ای از زبانی در زبانی دیگر سخن گفته می شود؛ هیچ گاهی دلیل برقهو کاستی یک زبان نیست که این کار لازمه زنده گی اجتماعی است.

سخن گفتن از تأثیرگذاری و تاثیر پذیری در همه شؤون زنده گی اجتماعی انسان ها نه تنها یک امر معمول و رایج است بلکه باعث آراستگی و غنامندی فرهنگی نیز در جامعه خواهد شد.

نشان دادن کثری ها و راست کردن آن هیچ گاهی یک طرفه تصور شده نمی تواند، چون جامعه انسانی در یک ارتباط ارگانیگ و به هم پیوسته قراردارد. اصلاح کوچکترین نقطه، تمام زوایای زنده گی انسان ها متاثر خواهد شد. زبان شناسان این سرزمین کمتر متوجه این مهم شده اند که چه علت هایی در کاربوده است که واژه ای متعلق به یک زبان در زبان دیگر هم استفاده می شود؟

برعلاوه نمونه های فوق به کلماتی نظیر: آماج، کنکاش، تمبر، گزمه، قراول و اردو نیز می توان اشاره داشت که از گذشته های دور تا حال به مثابه واژه گان دری استفاده شده اند که اگر به ساختار اصلی و اولی آن ها توجه شود به روشنی تمام ترکی بودنشان را در خواهیم یافت. مانند آماج "آماج" ، کنکاش "کنگش" ، تمبر "تمغه" ، گزمه "گیزمه" ، قراول "قاراول" ، اردو "اوردو" که صرفا با تغییرشکل در زبان دری استعمال شده اند.

در زبان پشتونیز واژه های زبان ترکی وجود دارند که به ساده گی، نظر به آهنگ وفاده مفهوم، در ترکی بودنشان جای هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد مانند: جرگه (جرغه)، ولس (اولوس)، لوى (اولوي)، تکل (تك ايل)، خان (خن)، اانا (آنه)، خيل (ايل)، كوجى (كوجو- كوچماق) که هریک فقط با اندکی تغییرشکلی در زبان پشتون وارد شده اند. به گونه ای که اهالی ادب و زبان شناسان به محض شنیدن آوای این گونه واژه گان دریک عبارت پشتون، بیگانگی آنان را با مجموع عبارت احساس خواهند کرد؛ با اینکه از لحاظ مفهومی شاید مشکل چندانی نداشته باشد اما سبک و سیاق یک عبارت پشتون هیچ گونه هم خوانی و هم صدایی با اینگونه واژه گان ندارد. این درحالیست که در ابتدای نظر درحوالی زبان وادیبات برای نگارنده روشن شده است.

اگر زبانشناس ها به منظور شناسایی و تحقیقات بیشتر وارد این عرصه شوند، قطعاً واژه گان زیادی را خواهند یافت که از زبان ترکی به دیگر زبانهای مثل دری، پشتون و سایر زبانها راه یافته اند و تا حال با حفظ مفاهیم و معانی خود در زبان های بیگانه استفاده می گردد.

چون ذایقه و لحن دیگری پیدا کرده است، اما طبق قاعده کلی جهان:

هر کسی کو دورماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش

برای ارائه نمونه از ورود واژه گان ترکی به زبان دری می توان چنین اشاره کرد: اتاق، آسمان، توشك یا دوشک، قروت، قالین، بیرق وغیره که در اصل واژه های ناب ترکی اند و فعلاً هویت زبان دری یا فارسی را به خود گرفته اند که اگر از نگاه زبان شناسی واitemالوژی بررسی و واکاوی شود ترکی بودن آنان روشن خواهد شد.

- اتاق از کلمه " اوتراق " یعنی نشیمن و جای نشستنی .

- آسمان از کلمه " آسمه " یعنی آویزان و معلق.

- توشك یا دوشک از کلمه " توشه یادوشه " یعنی هموارو پهنه .

- قروت از کلمه " قوروچ " یعنی خشک و سخت.

- قالین از کلمه " قلين " یعنی زخیم و کلفت.

- بیرق از کلمه " بیلناق " یعنی نشانه، گرفته شده است.

اگر بخواهیم تعداد زیادی ازین دست واژه ها را شناسایی نماییم، یقیناً مجال دیگری می خواهد. اما می توان به صورت اجمال واژه های ذیل را نامبرد که در اصل ترکی اند اما به مرور زمان در اثر ارتباط های فرهنگی با تغییرشکل و فرم در زبان دری - فارسی استفاده می گردند. آقا، خانم، اوتو(هتو)، قیچی، برابر، یکه، هی (هی کردن)، قاچاق، قاشق، بشقاب، آش، بابه، قابلی، قشلاق و بیلاق.

غضنفر بانک،
بانک من و تو!

دفتر مرکزی: جوړه سرک عمومي شېړې بردن
کابل - افغانستان +93 (0) 202 10111
info@ghazanfarbank.com / www.ghazanfarbank.com



غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

غیل بانک
GHAZANFAR BANK

خدمات



بانکداری عمومی

در پنج بانکداری اسلامی



بانکداری عمومی



در پنج بانکداری اسلامی



و

قرضه های بانکی و
بانک گرانشی

بانکداری از طریق
صفقات نسی



قرضه های بانکی و
بانک گرانشی



بانکداری از طریق
پیام کوبی



فیضون پردازی
و سوپورت





محاوره اوزبیکی (۷)



عزیزالله ارال

پول المشتیریش

Money exchange

مبادله اسعار

پول المشتیریش شاخابچه‌سی قه-
یېرده؟

Where is the foreign exchange
counter?

بخش مبادله اسعار خارجی کجا
است؟

مېن پوليمىنى المشتیرماقچىمن

I would like to exchange my
money

میخواهم پول خودرا تبدیل
(مبادله) نمایم

مېن المشتیریش نرخى نى بىلمە يىمن

I don't know what the exchange
rate is

قیمت مبادله را نمیدانم

بوگونگى المشتیریش نرخى قنچه؟

What is the exchange rate today?

قیمت مبادله امروز چند است؟

دالرىنى المشتیریش نرخى قنچه؟

What is the exchange rate for the
US Dollar?

قیمت مبادله دالر امریکایی چند
است؟

سیز نېچە پول المشتیرماقچى سیز؟

How much would you like to
change?

شما چقدر پول میخواهید تبدیل
کنید؟

المشتیریش بوبېچە بىر امرىكى دالرى
اېلىك افغانى گە توۇغرى كېلەدى

The rate of exchange \$1 USD is
50 AF

قیمت مبادله يك دالر امریکایی
معادل ۵۰ افغانى است

بانک

Bank

بانک

قاغز پول (بانک نوت)

Bill

بانک نوت

بانک فایزى

Bank-rate

فيصدى بانک

نقد

Cash

نقد



خزینه‌دار	Cashier	صندوق دار بانک
چک	Cheque	چک
بانک خدمتچی‌سی	Clerk	کارمند بانک
حسابچی	Counter	محاسب
فایز (یوزده)	Percent	فیصدی
حصه، ذخیره	Stock	سهام
بهما	Value	نرخ، قیمت

مهمانخانه‌ده

At a Hotel

در هتل

مبن بیر کیشی‌لیک (ایککی کیشی لیک) اتاق بویورگن اپدیم	I reserved a single (a double) room	من اتاق یک نفره (دونفره) فرمایش داده بودم
مبن گه ایککی کون گه بیر کیشی لیک اتاق کپره ک	I'd like a room with a Single bed for 2 days	من برای دوروز یک اتاق یک - نفره میخواهم
سیزده لوكس اتاق بارمی؟	Do you any available suites?	شما اتاق مجلل دارید؟
اتاق کونی‌گه (هفتنه سی گه) نېچه پول توره‌دی؟	What's the rate per night (week)?	کرایه روزانه (هفتنه وار) اتاق چند است؟

اتاق ده تلویزیون (یخچال، حمام و
ساوتیگیج) بارمی؟

Is there a TV (a refrigerator, an
air conditioner, a shower) in the
room?

اتاق تلویزیون (یخچال، کولر،
شاور) دارد؟

بو اتاق جوده هم قیمت

The room is too expensive

این اتاق بسیار قیمت است

ارزان را اتاق‌نیگیز بارمی؟

Do you have a less expensive
room?

اتاق ارزان تر دارد؟

مبن بو اتاق نی آله‌من

I'll take this room

من این اتاق را میگیرم



من برای دو هفته میباشم (اقامت میکنم)	مبن ایککی هفته تورهمن	I'll be staying for 2 weeks
من برای یک روز میباشم	مبن فقط بیرکون تورهمن	I'll be staying for one nights
من برای چندروز میباشم	مبن بیر نیچه کون تورهمن	I'll be staying a few nights
من تا روز یک شنبه میباشم	مبن یکشنبه گچه تورهمن	I'll be staying until Sunday
شماره اتاق من چند است؟	اتاقیم نینگ ترتیب رقمی قندهی؟	What's my room number?
برای تان چه خدمت کرده میتوانم؟	قندهی خدمت قیلیشیم ممکن؟	What can I do for you?
می بخشید، نام شما چیست؟	کېچیره سیز، آتینگیز نیمه؟	Your name, please?
اینک، مکتوب شما!	منه، سیز نینگ مکتوبینگیز!	Here is your letter
ما برای شما اتاق فرمایش دادیم	بیز سیز گه اتاق بویور تیردیک	We have made a reservation for you
لطفاً، ثبت نام نمایید	مرحومت، راجستر قیلینگ	Please register
فورم ورودی را خانه پری کنید	مرحومت، کیریش ورقه سی نی تولدیرینگ	Fill in the arrival card
لطفاً، اینجا امضا کنید	مرحومت، بو یپرگه قول قوینگ	Please sign here
شماره اتاق شما ۲۲۷ است	اتاقینگیز نینگ رقمی ایککی یوز یپگیرمه پیتنی (۲۲۷)	Your room number is 227
اتاق در منزل دوم است	اتاق ایککینچی قه و تده ادامه دارد...	The room is on the second floor



پیام های اطلاعاتی در مورد معاملات

غضنفر بانک

SMS - Alert



غضنفر بانک به منظور محافظت هر چه بیشتر صورت حساب و سرمایه مشتریان خویش از جعل کاری و تقلب، اخیراً خدمات پیام های کتبی تحت عنوان (آگاهی از حساب توسط موبایل) را آغاز نموده است. این خدمت در زمان برداشت و انتقال پول از حساب تان فعال می گردد. زمانی که بیشتر از ۵۰,۰۰۰ افغانی و یا ۱۰۰۰ دالر امریکایی پول از حساب تان دریافت شود، یک پیام معلوماتی به موبایل شما فرستاده می شود. این پیام برای مشتریانی که از خدمت بانکداری از طریق موبایل استفاده می کنند، ارسال می گردد. دیگر مشتریان می توانند با مراجعه به نزدیک ترین نمایندگی غضنفر بانک شماره تیلفون خود را ثبت و راجستر نمایند. در حال حاضر این خدمت برای مشتریان روشن و افغان بیسیم مهیا می باشد.

غضنفر بانک با مدرن ترین امکانات اندوخته های شما را تضمین می کند

شعبه مرکزی

۸۶۰۰۳ / ۷۹۷ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۰۷ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۹۸ ۷۸۶ ۷۸۶ / ۰۷۷۵ ۷۸۶ ۷۸۶

۸۶۶ سرک اصلی شیرپور، کابل؛ صندوق پستی: ۵۵۹۸

mainbranch@ghazanfarbank.com

www.ghazanfarbank.com



Iamic banks have not been confined to the Islamic countries, relatively there are Islamic banks and investment companies operating in the West such as in Switzerland, Denmark, England, etc. Meanwhile the world's largest banks such as Citibank, HSBC have started Islamic banking window.

Q: What is the status of Islamic Banking in Afghanistan?

Ans: Afghanistan is a Muslim country, where more than 99% of its population is Muslim. The Muslim people of Afghanistan are very much religious and committed to the Islamic way of life, therefore they avoid deploying their fund in conventional banks due to the presence of Riba.

Islam encourages savings, and emphasizes in channeling the funds by investment in to productive activities which will pave the way for further employment, development and prosperity of the nation. However, Bank saving in Afghanistan is at its minimum level due to the people's commitment to the Islamic way of life. There is a huge demand for Islamic banking but only few banks are offering Islamic products. The execution of Islamic banking system in Afghanistan would further help the overall economic of the country, in particular the agricultural sector through Mudaraba, Musharka, Muzarah and Musawamah contracts.

Q: Practice of Islamic Banking by Ghazanfar Bank

Ans: Ghazanfar bank started Islamic operation since April 2009, under window system. Within short span of time it could attract huge number of customers and pools of fund. At deposit side we are offering Alwadiha Current Account, Mudarabah saving Account and Mudarabah Fixed Deposit. We are extending finance facilities under Musharakah and Murabaha mode of financing to different sectors. Ghazanfar Bank Islamic Banking Window is fulfilling its social responsibilities by taking an active part in country rehabilitation, creating employment opportunities and via its Charity Waqf Account, sponsoring different projects.

Musharakah is the most favorable mode of financing. Musharakah is a legitimate mode of financing based on equity participation. This contract could be carried on between two or more parties, where all parties contribute to capital investment and entitled to participate in the management of the business but not compulsory to do so. This contract is based on profit and loss sharing concept, where the earned profit would be distributed based on pre agreed ratio, while the loss would be borne by each partner based on their respective capital contribution.

The successes and prides of Islamic Banking window of Ghazanfar bank in this direction are the result of consistency with Sharia'h rulings, best attitude of Islamic Banking employees towards customers, transparency in all its transactions and implementing the Islamic banking principles in conformity with needs of the Afghan society.

By the blessing of Allah (s.w.t), the banking industry of Afghanistan has witnessed milestone achievements and struggling to implement the International standards within the industry. In the near future, the Islamic Banking will be implemented by all private conventional banks and optimistically in the near future the entire banking system of the country will be transformed to a full fledged Islamic Banking.

By placing our trust in Allah (s.w.t) we are confidant of our success.





Interview with Professional Experts From various fields

In the name of allah the most merciful the most compassionate



“The very objective of Sharia’h (Maqasid Shariah) is to promote the welfare of people which lies in the safeguarding their life, their intellect, their prosperity and their property. Whatever ensures the safeguard of these five, serves public interest and is desirable”. (Al- Ghzali)

Q: Please briefly introduce yourself

Ans: My name is Manezha Sukhanyar from Kabul Afghanistan. I was born in Kabul. My father is attached with Ministry of Foreign Affairs and My Mother is house wife. The starting point of my education journey was Totiya school in Kabul for the first two years , then my father was transferred to China and since then I left Afghanistan. I joined Iranian School in Beijing- China. After few years my father reassigned to Bangladesh and I continued my studies with Noor-elm, School of Iran and graduated in 2001. I was interested to do my higher education in a modern and Islamic country and with the guidance of Malaysian Ambassador in Dhaka I got a place in International Islamic University Malaysia . I got my Bachelor Degree (BBA) specialized in Finance in 2007 and MBA in Islamic Banking and Finance from Graduate School of Management, International Islamic University Malaysia.

I worked with the Embassy of the Islamic Republic of Afghanistan in Kuala Lumpur and UNHCR representative in Malaysia. I was a member of Student Representative Council in University, and actively I was involved with many programmes, seminars and conferences.

After the completion of my studies, I returned to Afghanistan in May 2011, and joined Ghazanfar Bank as Head of Islamic Banking Window since July 2011.

I am thankful to Allah (s.w.t) for providing me the opportunity to step in the excellent field of Islamic banking and I’m seeking his blessing and guidance to step strong and smooth in this way. I would like to thank my beloved parents for their support and never ending love and care.

Q: How would you define Islamic banking and what is its current status ?

Ans: There are many definitions for Islamic banking, but their concepts are conveying the same message. In a simple word, Islamic banking is a banking system based on Sharia’h principle and free of Interest (riba).The fundamental principle of Islamic banking originates in the maxim of trust, justice and harmony.

Despite being a new concept in the financial world, Islamic banking has been expanded over the past three decades as a new phenomenon around the globe. At present, besides the full Islamic system, there are more than 1100 Islamic Financial Institutions all over the world .Most of these institutions were established in countries such as Jordan, Bahrain, Qatar, Egypt, Bangladesh, Pakistan, Turkey, Senegal, Kuwait, Jordan, etc. Most of them performed well and have been able to compete with the traditional system and acquire a remarkable share in the national market. The operation of Is-

cordance to Basel II are Internal Frauds, External Frauds, Employment Practices and Workplace Safety, Damage to Physical Assets, Delivery and Process Management and Business Disruption.

I would like to also discuss here Corporate Governance Risk which is a set of processes, policies, laws and procedures affecting the way an organization is directed, administered and controlled. Also under Basel II framework, the board of directors and senior management at each institution have an obligation to understand the risk profile of that institution and ensure that capital levels adequately reflect such risk. Basel II is fundamentally about better risk management anchored in sound corporate governance. I would like to focus now on three areas where I believe Basel II will contribute to more effective corporate governance. I will refer to these as the three C's: Controls, Culture and Clarity.

Controls:

The first "C" is controls. A bank can use the most sophisticated measurement tools in the world, but if it is poorly governed, it will be vulnerable to financial and operational weaknesses. This notion underlies the first pillar of the new framework.

Culture:

The second "C" is culture. I believe that the increased

responsibilities of the board of directors and senior management under Basel II will foster a culture of improved risk management. This notion underlies the second pillar of the new framework.

Clarity:

The third "C" is clarity. I believe that Basel II will provide greater clarity regarding banks' measurement and management of risk. This will be achieved first of all through the third pillar – market discipline.

In conclusion after brief introduction of Risk Management I would like to conclude that financial risk management involves protecting a company against financial loss due to a variety of factors explained above. While this type of risk management only provides guidelines by which financial decisions should be made, it is still an important safeguard against loss.



prices. Afghanistan market mainly faces Interest rate risk, FX risk because of non operation or non existence of Capital Market. Interest rate risk is the potential that changes in interest rates may adversely affect the value of a financial instrument or portfolio, or the condition of the bank as a whole. The accepting of IRR is a significant source of profitability and shareholders' value as well, however excessive interest rate risk can pose a significant threat to a bank's earnings and capital base.

Foreign exchange risk is the potential that movements in exchange rates may adversely affect the value of a bank's holding and thus its financial condition. Foreign exchange rates can be subject to relatively large and sudden swings, understanding and managing the risk associated with exchange rate volatility can be especially complex. Although it is important to acknowledge exchange rates as a distinct market risk factor, the valuation of foreign exchange instruments generally requires knowledge of the behavior of both spot exchange rates and interest rates. I would like to also talk about Liquidity Risk which is part of Market risk and as a result of lack of marketability of an asset that cannot be bought or sold quickly enough to prevent or minimize losses, a good example of Liquidity Risk and Funding Liquidity Risk was Kabul Bank.

Operational Risks

An operation risk is slightly different from market risk and credit risk because it concerns the internal operation of a

company, rather than an exterior source of risk. Operational risk is the risk of a loss because of the failure of internal systems or processes or the errors of people working for a company. These may include system errors like computer failures, or losses to physical assets like fire, floods, or earthquakes. It may also include employee-caused problems like errors, fraud, theft, or other criminal activities. . The collapse of Bearings and the derivatives disasters were one among several factors that led to the revision of Basel-I and giving the due importance to operational risk measurement and management. But the problem lies in the standard measure of operational risk. An increase in capital will not in itself reduce risk; only management action can achieve that. The control of operational risk is fundamentally concerned with good management, which involves a tenacious process of vigilance and continuous improvement. It is proved without doubt that the operational risk management improves the quality and stability of earnings, thereby enhancing the competitive position of the bank and facilitating its long term survival. "Today risk managers believe that about 30% of the risk a financial institution runs is due to operational losses" (Cruz, Marcelo 2003). Therefore it is essential and desirable to manage operational risk at the earliest opportunity. I believe from my past two years of experience in Afghanistan market 60% of risk financial institutions runs is due to Operational Risk, because of Macro Economics and Micro Economic factors as well as Political Risk and Country Risk, which again affects Credit and Market risk. The main sources of OP in ac-



ment approaches fit to the nature of their businesses.

Financial Risk Management:

When companies make financial decisions, they always assume some degree of risk, especially when they're making decisions about investments. Financial risk management is a set of practices that allow a financial institution to optimize the way it takes financial risk. A financial risk management plan may include things like how the financial institution monitors risky activities and applies the risk process. The company's board or senior management decides the plan to guide how financial decisions are made. The three major components of risk that a bank faces credit risk, operational risk, and market risk.

Credit Risk

Credit risk is a type of risk that comes into play when a company is making loans, issuing credit cards, insuring, or investing in the debt of other companies. In these cases, the risk they're assuming is that the other party will default, in which case they'll lose the investment. A risk management plan for credit risks would apply a procedure for determining how much of a risk a particular investment is. It would also detail how much risk is too much and how much is acceptable. When someone is in need of financial help, one usually goes to a lender or a bank for a loan. However, not everyone who applies for one is approved. Why is this so? Banks have a system to determine and compute how much they would be risking in losses, should the

debtor fail to pay. This practice is called the credit risk measurement, but how do banks measure credit risks? Risks can be measured in two different ways such as Qualitatively and Quantitatively. To judge a person's quality wise in respect of risk it involves Credit History, Quality of man, Quality of loan, Quality of security, Quality of own investment, Quality of management, Quality of net worth, Quality of income, Quality of reputation and Quality of his character. The Quantitatively credit is usually assessed through credit scoring, this process entails getting information, such as Balance Sheet, Income Statements, Billing Statements, and the like. This procedure is well standardized and has a formula and such formula is applied to gather information and assigned a number known as a credit score. The bank will then decide whether or not to grant the loan, depending on the score obtained.

Market Risk

As with other types of risk management, in financial risk management there are a variety of different types of risks the risk managers must take into account and evaluate. Market risk, the exposure to financial loss because of the uncertain future value of stocks, is a key component of financial risk. This type of risk is managed by avoiding day-to-day losses on the stock market. Risk management procedures might impose a level of acceptable risk in investing to mitigate market risk. Market risk encompasses exposures associated with changes in Interest rates, Foreign exchange rates, Commodity prices, Equity



system. This classification system grouped a bank's assets into five risk categories: 0% for short term government bonds, 20% for exposures to OECD Banks, 50% for residential mortgages and 100% weighting on unsecured commercial loans. A new 150% rating comes in for borrowers with poor credit ratings e.g. subprime mortgages.

Basel II is the second of the Basel Committee on Bank Supervision's recommendations, and unlike the first accord, Basel I, where focus was mainly on credit risk, the purpose of Basel II was to create standards and regulations on how much capital financial institutions must have put aside. Banks need to put aside capital to reduce the risks associated with its investing and lending practices.

Basel II states that any system developed and implemented by a bank must be "credible and appropriate", "well reasoned", "well documented" and "transparent and accessible". Unfortunately, phrases such as 'credible', 'well reasoned', and 'transparent' are subjective and are open to interpretation by banks and their regulators. Basel II uses a "three pillars" concept – (1) minimum capital requirements (addressing risk), (2) supervisory review and (3) market discipline – to promote greater stability in the financial system. The first pillar deals with maintenance of regulatory capital calculated for three major components of risk that a bank faces: credit risk, operational risk, and market risk. Other risks are not considered fully quantifiable at this stage. Pillar 2 is intended to bridge the gap between regulatory and economic capital requirements and gives supervisors discretion to increase regulatory capital requirements if weaknesses are found in a lender's internal

capital assessment process. The aim of pillar 3 is to allow market discipline to operate by requiring lenders to publicly provide details of their risk management activities, risk rating processes and risk distributions. The main difference between Basel-I accord and Basel-II accord is that Basel-I accord was not confined with the rating factor and was based on the fact "one size fits all" but Basel-II accord mainly focuses on the rating factors of the borrowers.

How Does Risk Management Apply to Financial Decisions?

A very specific type of risk management relates to financial decisions taken in a business. In this context, risk management is not about eliminating risk but rather about controlling the way to take risks. It's different from some other types of risk management.

What is Risk Management?

Risk management is a process for mitigating or eliminating risk in a variety of different areas that may impact the operation of a business. Different strategies are used to manage risk depending on the business and the type of risk. In the case of financial risk management, this means making sure the financial risks that are taken are sound risks. This usually means codifying how the company makes these decisions as well as what constitutes a good financial risk. Risk Management Department established in February 2008 in the structure of Central Bank (DAB), the prime goal of this department is to exhort the banking industry to maintain efficient risk manage-

Ahmed Siar Khoreishi

Chief Risk Officer, Ghazanfar Bank



Mr. Ahmed Siar Khoreishi had been approved by the authorities of Da Afghanistan Bank (Central Bank) for the position of Chief Risk Officer of Ghazanfar Bank and currently he is User Group Chairperson of SWIFT in Afghanistan. He is a qualified and experienced banker with rich international experience including in the United Kingdom. He got his BA (Hons) in Business Financial Management from University of Westminster in London and MBA in International Management from University of London, and he is also CeMAP (Certified Mortgage Advisor Practitioner) and CeFA (Certified Financial Advisor) qualified from UK and passed first FRM paper. He worked as Senior Financial Advisor with Nationwide Building Society which is one of the biggest building society in UK for five years. He has achieved broad knowledge of Credit Risk, Market Risk, Operational Risk and Corporate Governance Risk by participating international trainings in Dubai and in London.

The Concept of Risk Management in Financial Industry:

I would like to illustrate the concept of Risk Management in the financial sector briefly as this is broad and complicated area. The BIS (Bank for International Settlement) gives recommendations concerning banks and other financial institutes on how to manage capital. The influence and reputation of the Basel Committee on Banking Supervision is of such nature that its recommendations are considered world wide as "best practice". But unfortunately due to lack of CIB (Credit Information Bureau) and External Rating Agencies DAB (Da Afghanistan Bank) not capable of implementation of Basel I or Basel II and commercial banks in Afghanistan.

Basel I is a set of international banking regulations put forth by the Basel Committee on Bank Supervision, which set out the minimum capital requirements of financial institutions with the goal of minimizing credit risk. Banks that operate internationally are required to maintain a minimum amount (8%) of capital based on a percent of risk-weighted assets. The bank must maintain capital (Tier 1 and Tier 2) equal to at least 8% of its risk-weighted assets. For example, if a bank has risk-weighted assets of \$100 million, it is required to maintain capital of at least \$8 million.

The first accord was the Basel I, it was issued in 1988 and focused mainly on credit risk by creating a bank asset classification



غضنفر گروپ گامی بسوی فردای روشن



غضنفر گروپ

Ghazanfar Group

0799 505 505

www.ghazanfargroup.af